



آینوسانات حادثه  
مبادله ارز و سقوط ماله  
رژیم طالبان در راه است؟

۴

# صبح ۸

سال شانزدهم  
شماره ۳۸۱۹  
چهارشنبه  
۲۱ جدی ۱۴۰۱  
۱۱ جنوری ۲۰۲۳

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

## تقلا برای زنده ماندن؛

### حالیته

## اگر کار نکنم از گرسنه گم می‌میرم



دانه‌های برف یکی از دیگری از آسمان غبارآلود کابل به زمین فرود می‌آید. پیاده‌روها و اطراف جاده‌های آسفالت‌شده نیز تا حدی سفیدپوش شده است. من از کنار دیوار دانشگاه کابل به سمت منطقه کارته‌سخی در حرکت هستم. در روزهای برفی عابران کمتری در جاده‌ها رفت‌وآمد می‌کنند. هوا به شدت سرد است و مه و دود در جاده‌های پایتخت حاکم. شدت سرما و ریزش برف پیاده‌روها را تخلیه کرده و عابران را خانه‌نشین کرده است. نشانه‌های فقر اما در گوشه و اطراف شهر بیداد می‌کند.

۵

### والی طالبان در غور:

## نگذارید زنان بدون محرم در شهر گشت‌وگذار کنند

۵



تبعیض ساختارمند یا آپارتاید جنسیتی؛

# بسته شدن کارگاه‌های زنان آخرین امید را از آنان می‌گیرد

۳

## عمران خان به دولت پاکستان در مورد حمله بر افغانستان هشدار داد

او گفته است: «وقتی آمریکا افغانستان را ترک کرد، ما یک فرصت طلایی داشتیم. ما سعی کردیم تا جایی که می‌توانیم روابطمان را با حکومت اشرف غنی بهتر کرده و در امور افغانستان مداخله نکنیم.»

خان در ماه اپریل سال گذشته میلادی از سمت نخست‌وزیری پاکستان برکنار شد. او از جهان خواسته بود که با دولت طالبان وارد تعامل شده و آن‌ها را منزوی نکند؛ زیرا از نظر او اجتناب از تعامل با طالبان نه تنها منجر به عواقب منطقه‌ای می‌شود، بلکه جهان را نیز متاثر می‌سازد.

بر اساس گزارش‌ها، اسلام‌آباد بارها در مورد پناه دادن رژیم طالبان به شبه‌نظامیان تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی) و عدم اجرای وعده‌های این رژیم در مورد جلوگیری از «حملات تروریستی» از خاک افغانستان به پاکستان، ابراز نگرانی کرده است.



رئیس حزب تحریک انصاف گفته است که «دولت ایتلافی پاکستان» بر گفت‌وگو با طالبان متمرکز نیست. او افزوده است که اولین سفر خارجی بلاول بوتو زرداری، وزیر امور خارجه پاکستان، باید به افغانستان می‌بود.

۸ صبح، کابل: عمران خان، رئیس حزب تحریک انصاف پاکستان، «دولت ایتلافی» این کشور را به دلیل صدور «بیانه‌های غیرمسئولانه» علیه رژیم طالبان در افغانستان، مورد انتقاد قرار داده و بر همکاری با «ملت همسایه» تاکید کرده است.

خان روز سه‌شنبه، ۱۰ جنوری، در یک سمینار گفته است: «وزیران بیانه‌های غیرمسئولانه‌ای در مورد حمله بر افغانستان صادر می‌کنند؛ اگر دولت افغانستان همکاری با پاکستان را متوقف کند، در آن صورت ما با یک جنگ بی‌پایان مواجه خواهیم شد.»

نخست‌وزیر پیشین پاکستان گفته است که عملیات نظامی بخشی از توافق‌نامه صلح می‌تواند باشد و به تنهایی «هرگز» نتیجه‌بخش نخواهد بود؛ زیرا به گفته او دولت پاکستان برای جلوگیری از فعالیت‌های تروریستی در خاک خود باید با طالبان تعامل داشته باشد.

### روایی که به واقعیت پیوست؛

## بروس لی افغانستان در هالیوود نقش بازی می‌کند

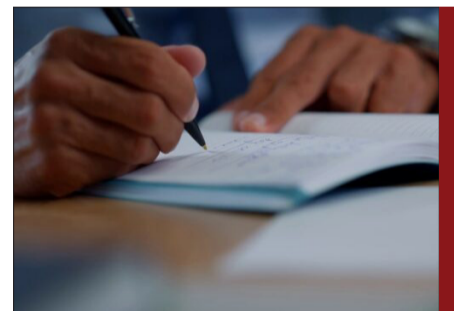


چند فیلم سینمایی و تبلیغاتی در کشورهای آسیای جنوبی و مرکزی بازی کرده، گفته که قرار است وارد بازی در فیلم‌های هالیوود شود. این ورزشکار افغانستان که با الگو برداری از ورزش رزمی بروس لی، رزمی کار هنگ‌کنگی، به شهرت رسید، گفته که در نیمه‌های سال ۲۰۲۳ تصویربرداری نخستین فلمی که در هالیوود بازی می‌کند، آغاز می‌شود.

علی‌زاده جزئیات بیشتری در مورد این فلم و نقش خودش ارائه نکرده و گفته است که در حال حاضر این اجازه را ندارد. او گفته که بازی در فلم‌های هالیوود از رویاهایی بوده که در سر

۸ صبح، کابل: عباس علی‌زاده یا بروس لی افغانستان می‌گوید که قرار است امسال وارد بازی در فلم‌های هالیوود شود. تورنتو ستار روز دوشنبه، ۱۹ جدی، در گزارشی زنده‌گی پر فرازونشیب عباس علی‌زاده مشهور به بروس لی افغانستان را بازتاب داده است. علی‌زاده در صحبت با تورنتو ستار گفته که پس از یک سال زنده‌گی پنهانی زیر تسلط طالبان در کابل، به تازه‌گی با بیش از ۳۰ ورزشکار دیگر به بریتانیا منتقل شده است. عباس علی‌زاده که از سال ۲۰۱۵ به این سو در

## می‌خوانم و می‌نویسم تا زنده بودنم را ثابت کنم



۴

## راننده‌گان و مسافران ولسوالی‌های خم‌آب و قرقین جوزجان از خرابی جاده‌ها شکایت دارند



۶

## استانکزی به مردم: از فرمان‌های خلاف شریعت پیروی نکنید



۸ صبح، کابل: معین سیاسی وزارت خارجه طالبان گفته که مردم می‌توانند از فرمان‌های این گروه در صورتی که خلاف شریعت باشد، پیروی نکنند.

عباس استانکزی، معین سیاسی وزارت خارجه طالبان، این مطلب را در یک سخنرانی که به تازه‌گی در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود، اما زمان و مکان آن مشخص نیست، بیان کرده است.

استانکزی با روایت از دوره پیامبر اسلام می‌گوید که مسلمانان حق دارند از دستورهایی که در تضاد با شریعت باشد، اطاعت نکنند.

معین سیاسی وزارت خارجه طالبان تاکید می‌کند که اطاعت از اوامری بر مسلمان واجب است که مطابق به شریعت باشد.

هرچند عباس استانکزی به‌گونه مشخص از فرمانی یاد نکرده، اما ظاهراً اشاره او به فرمان‌های اخیر رهبر طالبان است که آموزش، تحصیل و کار زنان را ممنوع اعلام کرده است.

گفتنی است که منع تحصیل و کار زنان در پی صدور فرمان رهبر طالبان، با مخالفت مراجع معتبر دینی روبه‌رو شده است. این مراجع تصمیم‌های اخیر رهبر طالبان را خلاف شریعت اسلام دانسته‌اند.

می‌پروراند است. عباس علی‌زاده در سال ۲۰۱۴ و پس از نشر تصاویری از جریان ورزش رزمی‌اش به بروس لی افغانستان شهرت یافت.





## قرارداد برق وارداتی از تاجیکستان برای یک سال دیگر تمدید شد



**۸صبح، کابل:** شرکت برق افغانستان (برشنا) تحت مدیریت طالبان می‌گوید که قرارداد برق وارداتی تاجیکستان به افغانستان تا پایان سال ۲۰۲۳ میلادی تمدید شده است.

این شرکت روز سه‌شنبه، ۲۰ جدی، با نشر رشته‌توییتی از تمدید یک‌ساله این قرارداد خبر داده است. برشنا افزوده است که این قرارداد توسط ملا

محمدحنیف حمزه، رییس اجرایی شرکت برق افغانستان تحت مدیریت طالبان و محمدعمر عسازاده، رییس شرکت ملی برق تاجیکستان، به امضا رسیده است.

براساس گزارش‌ها، برشنا هم‌اکنون حدود یک هزار و ۶۰۰ میگاوالت برق نیاز دارد که ۷۰ درصد آن از اوزبیکستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ایران وارد و ۳۰ درصد دیگر از منابع داخلی تامین می‌شود.

## آداب گفت‌وگو را بیاموزیم

اگر آداب گفت‌وگو را بیاموزیم، درپچه‌های تفاهم برای همیشه مسدود خواهند ماند، پل‌های همکاری فرو خواهند ریخت، زمینه‌های همبستگی از میان خواهند رفت و سرانجام ما مانند سرانجام هر قوم پراکنده و هر ملت از هم پاشیده، تداوم شکست و استمرار زبونی خواهد بود. آداب گفت‌وگو یعنی با مهار احساسات خود، از تیزی و زنده‌گی‌اش کاستن و آن را با نزاکت آراستن. ادب واژه سنگین‌وزن و پرمهتابی است که میان انسانیت و حیوانیت مرز می‌کشد و پخته‌گی جان و روان انسان‌ها را به نمایش می‌گذارد. ادب در هر سطحی ارزش دارد، از خانه تا بازار و از مسجد تا مکتب، اما وقتی نوبت به رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌رسد، اهمیت آن دو چندان می‌شود. بیش‌ترین جایی که ادب متجلی می‌شود، در عرصه سخن گفتن است؛ سنجیده، بامعنا، نیکو و سودمند سخن گفتن. اگر کسی ادب سخن گفتن را نیاموخته باشد، به شیوه نیکو گفت‌وگو کردن خو نگرفته باشد و نتواند زبانی شسته و پاکیزه برای گفت‌وگو برگزیند، آن هم با کسانی که قرار است هم‌رکاب و همسفر باشند، چنین کسی مصداق درستی از شعر مولاناست که گفت:

بی‌ادب تنها نه خود را داشت بد  
 بلکه آتش در همه آفاق زد

آتشی که در آفاق سرزمین ما زبانه می‌کشد، از دور هویداست. سطح ادب و نزاکت گفتاری در جامعه افغانستان، حتا در میان بسیاری از به اصطلاح نخبه‌گان فرهنگی سقوط کرده است و به خوبی نشان می‌دهد که از جامعه‌ای تباه شده می‌آیند. این بیماری در یک‌ونیم سال اخیر با شکست سختی که استخوان همه را لرزاند، چندین برابر شده و بسیاری را واداشته است که به جای سخن گفتن نیش بزنند و زهر بپاشند. کافی است که کوچک‌ترین نظری خلاف دیدگاه‌شان گفته شود، بی‌محبا حمله می‌کنند و از زرادخانه غنی دشنام‌های‌شان بازاری‌ترین تعبیراتی را که اندوخته‌اند، به کار می‌گیرند. مهم نیست که سخن گفتن در باره دین باشد یا سیاست، فلسفه یا هنر، اجتماع یا قومیت یا هر موضوع همه‌گانی دیگری. بسیاری در شبکه‌های اجتماعی عادت کرده‌اند که به محض افتادن چشم‌شان بر عبارتی که نمی‌پسندند، حتا پیش از دانستن معنای سخن و مقصود گوینده، دهانه انبان‌شان باز و همه انباشته‌های‌شان سرازیر می‌شود.

این در شرایطی است که گروهی تروریستی بر کشور مسلط شده و زنده‌گی را بر مردم جهنم ساخته است. از پیش شرط‌های گریزناپذیر رهایی از این وضعیت، همگرایی و همبستگی است که بدون گفت‌وگو و تفاهم امکان‌پذیر نیست. در چنین شرایطی تاختن بر یک‌دیگر و زدن بر سر و صورت هم‌دیگر، با زشت‌ترین عبارات و گزنده‌ترین کلمات، نشانه چه می‌تواند باشد جز بیگانگی با نجابت و شرافتی که دیری است از این دیار جنگ‌زده و طاعون‌دیده رخت بر بسته است. این آفت بیش از همه در میان قلم‌به‌دستان فارسی‌زبان افغانستان رو به همه‌گیری است؛ کسانی که خود را وارثان فردوسی، مولانا و بیدل می‌انگارند، اما بر سر کوچک‌ترین مسایل دعوا به راه می‌اندازند و دعوای پوچ‌شان تا به سطح قریه‌های‌شان تنزل می‌کند، بی‌تفکیکی میان دوست از دشمن. جهادی‌اش با چپی، فدرال‌خواهش با ملی‌گرا، سکولارش با مذهبی، حتی ساکن محله پایینش با ساکنان محله بالا توان گفت‌وگو با زبانی پاکیزه و مودبانه را از دست داده است. شماری از آنان سخن‌زدن را مرادف نیش‌زدن می‌دانند و با دشنام و زشت‌گویی پیوندی هستی‌شناختی پیدا کرده‌اند، گویا که چون «من دشنام می‌دهم، پس هستم!»

## طالبان در بدخشان یک زن را به دلیل نداشتن محرم با شلیک گلوله زخمی کردند

**۸صبح، بدخشان:** منابع محلی در بدخشان می‌گویند که طالبان یک زن جوان را به دلیل نداشتن محرم در این ولایت به گلوله بسته و زخمی کرده‌اند.

به گفته منابع، این رویداد روز دوشنبه، ۱۹ جدی، در شهرک مرکزی ولسوالی بهارک بدخشان زمانی رخ داده است که این خانم، برای خرید وسایل مورد نیازش به بازار رفته بود.

گفته می‌شود که این خانم به دلیل تداوی جراحتش اکنون در شفاخانه بستری شده است. خانم زخمی شده ۲۶ سال سن دارد و باشنده اصلی ولسوالی وردوج بدخشان است.

او در محلی به نام شش‌پل در ولسوالی بهارک زنده‌گی می‌کند و شوهرش پس از سقوط به ایران مهاجر شده است.

این در حالی است که طالبان ۳۶ تن به‌شمول هفت زن را به اتهام‌های گوناگون، یک ماه پیش در این ولایت در محضر عام شلاق زدند.



## طالبان آرایشگاه‌های زنانه در بغلان را بستند

**۸صبح، بغلان:** منابع محلی در بغلان می‌گویند که طالبان درب آرایشگاه‌های زنانه را در این ولایت بسته‌اند.

منابع محلی روز سه‌شنبه، ۲۰ جدی، می‌گویند که ریاست امر به معروف و نهی از منکر طالبان در بغلان افزون بر بستن درب آرایشگاه‌های زنانه با فرستادن مکتوب به مارکیت‌ها هشدار داده‌اند که به آرایشگاه‌های زنانه مکان به اجاره ندهند.

به گفته منابع، طالبان در بغلان وجود آرایشگاه‌ها را «فتنه‌انگیز و خلاف شرع» گفته‌اند.

منابع می‌افزایند که صاحبان مارکیت‌ها و دکان‌ها در بغلان خواستار مهلت ۱۰ روزه از طالبان شده‌اند.

گفتنی است که طالبان پیش از این آرایشگاه‌های زنانه را در ولایت‌های کندز، تخار و بدخشان بسته‌اند.



## مردی در غزنی کاکایش را با ضرب چاقو کشت

**۸صبح، غزنی:** منابع محلی در غزنی از کشته شدن یک مرد توسط برادرزاده‌اش در این ولایت خبر می‌دهند.

منابع محلی می‌گویند که این رویداد ناوقت روز دوشنبه، ۱۹ جدی، در ساحه نانی ولسوالی اندر ولایت غزنی رخ داده است.

به گفته منابع، این مرد پس از مشاجره لفظی از سوی برادرزاده‌اش با چاقو به قتل رسیده است.

خالد سرحدی، سخنگوی قوماندانی امنیه طالبان در غزنی، با تأیید این رویداد می‌گوید که تلاش‌ها برای بازداشت عامل قتل جریان دارد.

گفتنی است که پیش از این نیز پسر پدرش را در ولسوالی اندر ولایت غزنی کشته بود.

## شاهراه کابل - غور دوباره مسدود شد

**۸صبح، غور:** مقام‌های محلی طالبان در ولایت غور از مسدود شدن شاهراه کابل - غور خبر می‌دهند. یکی از مقام‌های طالبان شام سه‌شنبه، ۲۰ جدی، به روزنامه ۸صبح تأیید کرد که شاهراه کابل - غور از عصر امروز بار دیگر به روی رفت‌وآمد موترهای مسافربری مسدود شده است.

این مقام طالبان علت مسدود شدن شاهراه را جلوگیری از تلفات احتمالی انسانی بیان کرده و می‌گوید که براساس پیش‌بینی‌ها روزهای آینده علاوه بر بارش برف، موجی از سرما نیز این مسیر را در بر خواهد گرفت. این در حالی است که این شاهراه پس از سه روز انسداد روز گذشته به روی ترافیک باز شده بود.

## وزارت معارف طالبان مکاتب ولایت‌های گرمسیر را به مدت ۱۰ روز تعطیل کرد



**۸صبح، کابل:** وزارت معارف طالبان اعلام کرده است که مکاتب ولایت‌های گرمسیر به دلیل هوای سرد بی‌سابقه، به مدت ۱۰ روز تعطیل شده است.

براساس مکتوب وزارت معارف طالبان که روز سه‌شنبه، ۲۰ جدی، در اختیار روزنامه ۸صبح قرار گرفته، این وزارت هدایت تعطیلی مکاتب در ولایت‌های گرمسیر را داده است.

در مکتوب نوشته شده است که به دلیل هوای سرد بی‌سابقه در کشور، درخواست ریاست‌های معارف ولایت‌های گرمسیر و با در نظر گرفتن صحت و

زنده‌گی متعلمان، مکاتب ولایت‌های گرمسیر کشور از تاریخ ۲۱ جدی تا ۱ دلو رخصت‌اند.

به گفته این وزارت، درس‌ها پس از ۱۰ دلو به‌گونه عادی آغاز خواهد شد.

این در حالی است که روز گذشته ریاست هوشناسی تحت کنترل طالبان با نشر خبرنامه‌ای گفت که آخر هفته جاری یک جبهه هوای سرد از سمت غربی و شمال‌غربی وارد کشور شده و ولایت‌های غربی، شمال‌غربی، شمالی، شمال‌شرقی و مرکزی را شدیداً تحت تاثیر قرار خواهد داد.

## یک قابله در بلخ از سوی افراد مسلح ربوده شد

از سوی دیگر، یک منبع معتبر در ریاست صحت عامه ولایت بلخ با تأیید این خبر می‌گوید که تحقیقات در مورد چگونگی این آدم‌ربایی جریان دارد.

با این حال، منابع دیگر مردمی نیز می‌گویند که چند روز قبل افراد ناشناس با تماس تلفنی حمیده را تهدید کرده بودند.

بربنیاد گزارش‌های تأییدناشده، پدر این قابله یکی از اعضای گروه طالبان به نام مولوی حمیدالله، مشهور به قاضی حماس است.

منابع ادعا می‌کنند که این قابله در نتیجه دشمنی‌های شخصی میان اعضای طالبان ربوده شده است.

مسئولان امنیتی طالبان تا کنون در مورد ربوده شدن حمیده چیزی نگفته‌اند.

این در حالی است که پیش از این یک قابله دیگر هنگام رفتن به سوی وظیفه از سوی دزدان مسلح با ضرب گلوله در شهر مزارشریف به قتل رسیده بود.



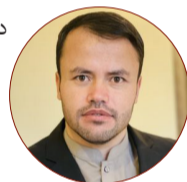
**۸صبح، بلخ:** منابع محلی از ربوده شدن یک قابله کلینیک حوزوی ولسوالی بلخ ولایت بلخ خبر می‌دهند.

منابع محلی روز سه‌شنبه، ۲۰ جدی، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که پس از چاشت روز گذشته افراد مسلح ناشناس سوار بر موتر یک قابله را ربوده‌اند.

به گفته منابع، این قابله حمیده نام داشته و پس از آن‌که از کلینیک بیرون رفته، توسط افراد مسلح ناشناس ربوده شده است.



# بسته شدن کارگاه‌های زنان آخرین امید را از آنان می‌گیرد



امین کاوه

دیوار محدودیت‌های طالبان برای زنان، با گذشت هر روز بلندتر می‌شود. پس از محرومیت از آموزش، تحصیل، تعلیق کار در نهادهای خصوصی و موسسه‌های داخلی و خارجی، اینک کارگاه‌های زنانه که یگانه کانون امید و ستون اقتصادی این قشر به شمار می‌رفت نیز بسته شده است. با بسته شدن کارگاه‌های زنان، روزنه‌های امید و حضور معنادار آنان در اجتماع از بین رفته است. شماری از زنانی که در طی چند سال گذشته به تجارت‌های کوچک رو آورده بودند، به این باورند که با اعمال محدودیت‌های دست‌وپاگیر طالبان علیه زنان از محور تبعیض ساختارمند فراتر رفته و مصداق بارز «آپارتاید جنسیتی» است و باید با سازوکارهای جهانی به آن رسیده‌گی شود. به گفته زنان، بی‌توجهی در قبال این «جنایت بزرگ بشری» پیامدهای ناگوار در پی خواهد داشت که اثرات آن فراتر از افغانستان خواهد رفت و نظام بین‌المللی را تهدید خواهد کرد. طالبان پس از سقوط نظام جمهوری، به رغم خوش‌بینی‌های کاذبی که در مورد تغییر رویکرد آنان به میان آمده بود، به سیاست‌های تبعیض‌آمیز و زن‌ستیزانه ادامه داده‌اند. این گروه در نخستین روزهای سلطه بر افغانستان دروازه‌های مکتب‌های دخترانه را به‌روی دانش‌آموزان بالاتر از صنف ششم بستند و بعد از آن به‌طور مستمر سیاست‌های سرکوب‌گرانه و حذف‌گرایانه را علیه زنان اعمال کرده‌اند.

طالبان روز سه‌شنبه، ۲۰ جدی، دروازه‌های شماری از کارگاه‌های زنان را در شهر هرات بستند. شماری از این زنان در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح تایید می‌کنند که طالبان برعلاوه بستن دروازه‌های کارگاه‌های مختلف، تابلوهای آنان را نیز برداشته و آنان را تهدید کرده‌اند که حق بازگشایی این مراکز را ندارند. این زنان و دختران خواستار بازگشایی کارگاه‌های‌شان‌اند و می‌گویند که این کارگاه‌ها تنها، کانون امید و ستون اقتصادی خانواده‌های آنان است که پس از محدودیت‌های گسترده به آنان دل خوش کرده بودند و با بسته شدن آن‌ها همه آرزوهای‌شان با خاک یک‌سان شده است.

هما (نام مستعار) در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که پس از اعمال محدودیت‌های آموزشی و تحصیلی طالبان بر زنان، تنها امیدش این کارگاه‌های زنانه بوده است که با تمام معنا از سوی زنان اداره و

مدیریت می‌شد و همچنان همه دست‌اندرکاران آن‌ها زنان بوده‌اند. او می‌افزاید: «یکی از کارمندان کورس ظهور هستم. تعداد شاگردهای کورس ظهور ۵۰ است. طالب‌ها آمدند کورس را بسته کردند. نمی‌فهمم چرا بسته کردند؟ وضعیت اقتصادی ما خوب نیست. نیاز داریم کار کنیم و نان پیدا کنیم. در این‌جا هیچ مرد حضور ندارد. تماما زن‌ها و دخترها هستند که نقاشی می‌کنند، انگلیسی می‌خوانند و خیاطی می‌آموزند تا بتوانند یک لقمه نان حلال پیدا کنند.»

مالک یکی از کارگاه‌های دیگر در هرات می‌گوید: «کارگاه ما را ساعت یازده‌ونیم بجه صبح بسته کردند. نمی‌دانیم به چه دلیل بسته کردند. ۵۰ الی ۶۰ کارگر به داخل کارگاه داریم. لوگوی ما را هم کردند برداشتند [دروازه] را هم به روی ما پلمب [مهرولاک] کردند. مردم نیاز به کار دارد. در به روی همه بسته شده است.» او می‌افزاید: «همه‌گی کارهای این‌ها [طالبان] ضرر به خانم‌ها و خانواده‌ها است. معنایی ندارد که این‌ها [طالبان] کورس‌ها را به‌روی مردم بسته کرده‌اند، دروازه کار [کارگاه] را به روی زن‌ها بسته می‌کنند، زنان از کجا باید نان پیدا کنند، همه زنان که سرپرست خانواده ندارند. زنان در جریان جنگ، شوهران‌شان را از دست‌داده‌اند، فرزندان‌شان شهید شده، چه کار باید کنند؟ چه کسی برای‌شان نان می‌دهد.»

ستاره (نام مستعار)، کارمند یکی از این کارگاه‌های زنانه در هرات، به روزنامه ۸صبح می‌گوید: «یکی از کارمندان بخش بانوان هنرجو هستیم. [طالبان] چرا این کارها را با ما خانم‌ها می‌کنند؟ ما همه نیاز داریم

**زنان در حالی از بستن کارگاه‌ها و بازارهای زنانه شکایت دارند که در طول بیش از دو دهه گذشته، آنان با سرمایه‌گذاری در عرصه تجارت‌های کوچک، در رونق بازار و تقویت اقتصاد کشور نقش عمده را ایفا کرده‌اند و همزمان برای امرار معاش خانواده‌ها و خودکفایی اقتصادی خود نیز گام‌های ارزنده‌ای برداشته‌اند. اکنون که زنان یگانه ستون اقتصادی و پایگاه امیدشان را در کارگاه‌های خیاطی نیز از دست داده‌اند، به این باورند که چرخ زنده‌گی‌شان در قلمرو حاکمیت طالبان از چرخش باز مانده است.**

طالبان روز سه‌شنبه، ۲۰ جدی، دروازه‌های شماری از کارگاه‌های زنان را در شهر هرات بستند. شماری از این زنان در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح تایید می‌کنند که طالبان برعلاوه بستن دروازه‌های کارگاه‌های مختلف، تابلوهای آنان را نیز برداشته و آنان را تهدید کرده‌اند که حق بازگشایی این مراکز را ندارند. این زنان و دختران خواستار بازگشایی کارگاه‌های‌شان‌اند و می‌گویند که این کارگاه‌ها تنها، کانون امید و ستون اقتصادی خانواده‌های آنان است.

کار کنیم. امروز مثل همیشه رفتیم کار کنیم. برای ما گفتند در [دروازه کارگاه] را قفل کرده‌اند و تابلوی کارگاه را هم کینند. دیگر طالب‌ها اجازه نمی‌دهند که ما کار کنیم. ما خواهش می‌کنیم صدای ما را بشنویند. این کارگاه‌ها تنها امید ما بود. دیگر چیزها را که بسته کردند، حداقل این کار است که خانواده ما نیاز دارد و ما ضرورت به کار داریم. همین را به‌روی ما باز نگذارند.»

این در حالی است که ریاست امر به معروف و نهی از منکر طالبان در بلخ، به دکان‌داران زن در شهر مزارشریف دستور داده‌اند که دکان‌های‌شان را بسته کنند. این ریاست به زنان تجارت‌پیشه در بلخ یک هفته مهلت داده تا دکان‌های‌شان را ببندند. زنان در بلخ می‌گویند که بازار زنانه است و همه مشتریان و فروشندگان این بازارها را زنان تشکیل می‌دهند. به سخن آنان، هیچ بهانه‌ای برای طالبان وجود ندارد که این کار را خلاف اصول خود و یا خلاف آموزه‌های دینی بدانند.

شماری از این زنان در بلخ، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که آنان مسوولیت تأمین مالی خانواده‌های‌شان را برعهده دارند و در صورت مسدود شدن دکان‌های‌شان، نمی‌دانند از چه مجرای نیازمندی‌های اولیه زنده‌گی‌شان را برآورده کنند. به گفته این زنان، خانم‌هایی که با همه امید و توان، داشته‌های چندین‌ساله خود را در دکان‌های خود سرمایه‌گذاری کرده بودند، اکنون برعلاوه بیکار شدن، سرمایه‌های‌شان را نیز از دست می‌دهند و این مرگ تدریجی برای آنان است.

مهرآفرین (نام مستعار) یکی از دکان‌داران زن در بلخ است، او می‌گوید: «هیچ بهانه‌ای برای طالبان به‌خاطر مسدود شدن بازار ما وجود ندارد. این‌جا زنان با رعایت حجاب شرعی مورد نظر طالبان کار می‌کنند. مشتری‌های ما همه زن هستند و هیچ‌کسی نیست که به‌خاطر حضور ما تحریک شود یا ایمانش خدشه‌دار شود. [طالبان] هیچ عذر شرعی ندارند. پس مستقیم بگویند که زن‌ها بروند به گورستان.»

در همین حال، شماری از فعالان مدنی در بلخ نیز می‌گویند که با اعمال محدودیت‌های دست‌وپاگیر و ممنوعیت‌های بی‌حدوحصر، طالبان زنده‌گی را برای زنان جهنم ساخته‌اند. به سخن آنان، بازارهای زنانه که یگانه امیدی برای زنان بوده و آنان می‌توانستند در آن‌جا کار کنند و زنان دیگر نیز با خاطر آرام خرید کنند. این بانوان انتظار دارند که دروازه‌های بازارهای زنانه و کارگاه‌ها و مراکز آموزشی به‌روی زنان باز شود. به گفته آنان، اگر طالبان خواستار تداوم حاکمیت در

کشور هستند، باید به صدای مردم گوش بدهند و زمینه سیطره سیاهی و دگم‌اندیشی را بیشتر از این در زنده‌گی مساعد نسازند.

این در حالی است که طالبان در بیش از ۱۷ ماه گذشته به‌صورت دوام‌دار، محدودیت‌هایی را بر زنان وضع کرده‌اند که در تضاد با همه ارزش‌ها و قوانین حقوق بشری قرار دارد. محرومیت از آموزش و تحصیل، منع کار در نهادهای دولتی و خصوصی، ممنوعیت حضور در اجتماع، حجاب اجباری و مسدود کردن دروازه‌های شماری از نهادهای دولتی، به‌گونه‌ای که زنان حق طی مراحل اسناد تحصیلی خویش را در نهادهای تحصیلی و آموزشی نیز از دست داده‌اند، از محدودیت‌هایی است که طالبان بر زنان اعمال کرده‌اند.

شماری از زنان و دختران معترض که از ستم بر زنان به ستوه آمده‌اند و سیاست‌های طالبان را در قبال زنان، مصداق «آپارتاید جنسیتی» می‌دانند، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که اعمال محدودیت‌های طالبان فراتر از حذف سیستماتیک و ساختارمند است. به گفته آنان، ستمی که امروز بر زنان در افغانستان روا داشته می‌شود، نماد کامل «آپارتاید جنسیتی» است.

زنان در حالی از بستن کارگاه‌ها و بازارهای زنانه شکایت دارند که در طول بیش از دو دهه گذشته، آنان با سرمایه‌گذاری در عرصه تجارت‌های کوچک، در رونق بازار و تقویت اقتصاد کشور نقش عمده را ایفا کرده‌اند و همزمان برای امرار معاش خانواده‌ها و خودکفایی اقتصادی خود نیز گام‌های ارزنده‌ای برداشته‌اند. اکنون که زنان یگانه ستون اقتصادی و پایگاه امیدشان را در کارگاه‌های خیاطی نیز از دست داده‌اند، به این باورند که چرخ زنده‌گی‌شان در قلمرو حاکمیت طالبان از چرخش باز مانده است.



پیش از این روزنامه ۸صبح در گزارش‌های متعددی به نقل از شهروندان دریافته است که با بیکاری و محرومیت زنان، بستر ازدواج‌های اجباری، ازدواج‌های زیر سن و فروش دختران افزایش یافته است. شمار زیادی از دختران و زنانی که قربانی ازدواج‌های اجباری شده‌اند، دلیل عمده تن دادن به این ستم را بیکاری، فقر، گرسنه‌گی و محرومیت از حق آموزش، تحصیل و کار توصیف کرده‌اند. طالبان به رغم فشارهای داخلی و انتقادهای گسترده بین‌المللی به سیاست حذف زنان و سایر گروه‌های اقلیت اجتماعی ادامه می‌دهند. در تازه‌ترین مورد شیرعباس استانکز، معین سیاسی وزارت خارجه این گروه، که ظاهراً از فرمان‌های رهبر غایب‌شان به ستوه آمده، در یک سخنرانی‌ای که مکان و زمان آن مشخص نیست گفته است که مردم می‌توانند از فرمان‌هایی که خلاف «شریعت» صادر شده است، اطاعت نکنند.



# آیانوسانات حاد نرخ مبادله ارز وسقوط مالے رژیم طالبان در راه است؟



میراحمد شکیب

**سازمان‌های  
بین‌المللی و لیلام  
ذخایر زغال‌سنگ  
به پاکستان توسط  
طالبان، باعث شد  
تا ثبات نسبی در  
نرخ مبادله حفظ  
گردد.**

۳۰ تا ۳۵ درصدی تولید ناخالص داخلی کشور را در پی داشت. کاهش قابل ملاحظه ارزش افغانی در برابر دلار امریکایی در بازارهای کشور پس از ۱۵ اگست سال ۲۰۲۱ باعث افزایش سرسام‌آور سطح قیمت‌های داخلی، افزایش میزان ناداری و زبان‌های مالی هنگفت بازرگانان شد. این امر در ابتدا بانک مرکزی زیر اداره طالبان را به شدت نگران ساخت تا آن‌که با توسل به تفنگ، این گروه نرخ مبادله غیرواقعی را در بازارها حاکم کرده و صرافان را ناگزیر به خرید و فروش ارز به نرخ تعیین‌شده کردند. در پهلوی آن، کاهش واردات، واریز شدن ۱.۸ میلیارد دلار از سوی سازمان‌های بین‌المللی و لیلام ذخایر زغال‌سنگ به پاکستان توسط طالبان، باعث شد تا ثبات نسبی در نرخ مبادله حفظ گردد.

پس از آن‌که در هفته‌های اخیر با وضع محدودیت‌های غیراخلاقی، بدوی و زن‌ستیزانه طالبان بر تحصیل و کار زنان، اندکی پرده از چهره زشت و تاریک این گروه برداشته شد، بعضی از سازمان‌های امدادرسان

بین‌المللی و کشورهای مختلف، این گروه را ظاهراً به قطع کردن کمک‌های بشردوستانه به افغانستان هشدار داده‌اند. هرچند کمک‌های بین‌المللی به افغانستان در زیر سایه حاکمیت طالبان نتوانست که جلو افزایش فقر را در کشور بگیرد و از جانب دیگر، دخالت‌های سران و فرماندهان متعصب این گروه در روند توزیع این کمک‌ها، باعث شد تا این کمک‌ها به‌طور شاید و باید آن به خانواده‌های نیازمند نرسد.

اکنون دیده می‌شود که با وصف تعیین نرخ مبادله توسط طالبان، ارزش نرخ افغانی در برابر دلار امریکایی در این روزها سیر نزولی داشته و یک دلار امریکایی به بیشتر از ۹۰ افغانی در بازارهای کشور مبادله می‌شود. نرخ در بازار ارز بیشتر از این نمی‌تواند که با تهدید تفنگ تنظیم شوند. با این حال، در حالی که طالبان سرگرم حراج ذخایر نفت و زغال‌سنگ حوزه شمال کشور به پاکستان و چین، از حامیان راهبردی این گروه‌اند، آیا نوسان حاد نرخ مبادله که سقوط اقتصاد رژیم طالبان را در پی داشته باشد در راه است یا خیر؟

نخست این‌که طالبان برای بیرون کشیدن اقتصاد افغانستان از رکود و بهبود نسبی شرایط کسب‌وکار و افزایش میزان اشتغال، نیاز جدی به ورود کافی ارز به کشور دارند. در حالی که کمک‌های جامعه جهانی به افغانستان توانسته تا بخشی از تقاضای ارز را در بازارهای کشور مرفوع کند و از فشارهای اقتصادی بر بانک مرکزی زیر اداره طالبان بکاهد، اما قطع این کمک‌ها بدون تردید که فشار را بر اقتصاد رژیم طالبان افزایش خواهد داد و آن را با خطر جدی سقوط مالی مواجه خواهد کرد.

دوم این‌که متوقف شدن کمک‌های نقدی جامعه

جهانی به افغانستان، عرضه ارز را در بازارهای کشور به‌شدت کاهش خواهد داد. سپس سطح قیمت‌های داخلی به دلیل این‌که اقتصاد افغانستان بیشتر متکی بر واردات است، در نتیجه کاهش نرخ مبادله افغانی در برابر دلار امریکایی افزایش خواهد یافت و به این ترتیب منجر به افزایش بیشتر میزان ناداری در کشور خواهد شد. سقوط ارزش افغانی و وخامت وضعیت اقتصادی بر بودجه رژیم طالبان نیز تأثیرات جدی نامطلوب خواهد داشت و توانایی مالی وزارت مالیه این گروه را نیز بیشتر از حال حاضر محدود خواهد کرد.

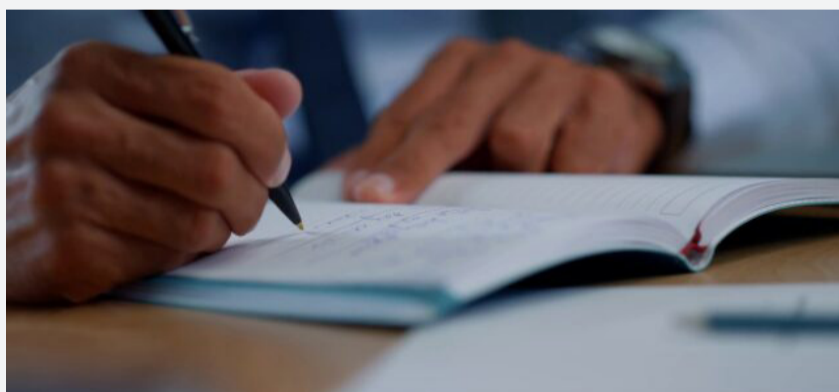
سوم این‌که تداوم بحران نقدینگی در سکتور بانکی، به بن‌بست رسیدن کار صندوق امانی افغانستان و حضور ملاهای نافهم در رهبری بانک مرکزی همراه با برگشت چهره‌های فاسد و لابی‌گر قومی طالبان مانند شاه‌محمد محرابی به شورای عالی بانک مرکزی، این بانک را فاقد هرگونه ظرفیت برای مدیریت بحران و کنترل نوسانات نرخ مبادله ساخته است.

در پهلوی موارد بالا، تشدید نوسانات نرخ مبادله منجر به موج دیگری از نارضایتی‌های سیاسی از طالبان در داخل افغانستان خواهد شد و همچنان سکتور خصوصی افغانستان را با چالش‌ها و زبان‌های بزرگ اقتصادی مواجه خواهد ساخت.

به این ترتیب، در صورتی که کشورهای حامی این گروه مانند قطر، چین، ایران و پاکستان با رژیم تروریستی طالبان همکاری نکنند، افزایش نوسانات نرخ مبادله، فشار بیشتر را بر اقتصاد رژیم طالبان وارد خواهد کرد و آن را با سقوط مالی مواجه خواهد کرد. در این میان آن‌چه مایه نگرانی جدی است، وخامت وضعیت بشری در افغانستان می‌باشد که در هر حالت، رسیده‌گی به آن هیچ‌گاهی برای طالبان اهمیت ندارد.

## می‌خوانم و می‌نویسم تا زنده بودم را ثابت کنم

نویسنده: مهراں موحد



مجاهدین در کابل، به رهبری برهان‌الدین ربانی، اختصاص یافته بود. شاید تازه‌ترین نوشته‌هایی که ما را با دنیای پیرامون ما وصل می‌کرد، همین نوشته‌ها بودند؛ چون از نگارش آن‌ها ۱۰ سال یا کمتر سپری شده بود. این درحالی بود که غالب کتاب‌های آن کتاب‌خانه «زردورق» و به دست کسانی نگاشته شده بود که ۲۰۰ سال، ۲۰۰ سال و یا حتی هزار سال پیش زنده‌گی می‌کرده‌اند. من از همان کودکی و نوجوانی به شدت مشتاق خواندن این نشریه‌ها و مجله‌ها بودم. پدرم تمایل داشت که من فقط بر کتاب‌های درسی تمرکز کنم و هر موقع می‌دید سرگرم خواندن این قبیل نشریه‌ها و مجلات هستم، سرزنش می‌کرد و به نحوی به من می‌فهماند که «اخبارخوانی» و بی‌اعتنایی به درس‌های ملایبی چیز مطلوبی نیست. در همین ایام بود که با نوشته‌های محمداکرام اندیشمند آشنا شدم که در مجله‌ای که نام ترس‌آوری داشت چاپ شده بود: «میثاق خون». اندیشمند در آن زمان به شدت پای‌بندی به قرائتی از اسلام نشان می‌داد که اسلام سیاسی ترویج می‌کند. در این اواخر که با او از نزدیک معاشرت کردم، متوجه شدم که وی با آن اندیشه‌ها خداحافظی کرده است. با خواندن «میثاق خون» یکی دو بار نام لاجوردین شهری در صفحات شعر آن به چشمم خورده بود. ف.فاضل و ث.ثامر هم از نویسندگان این مجله بودند. در نشریات دوران دولت مجاهدین با نام واقف حکیمی آشنایی یافتم. او در هفته‌نامه مجاهد که هفته‌نامه جمعیت اسلامی افغانستان بود، مطلب می‌نوشت. در همان دنیای کوچک نوجوانی برایم این سوال پیدا شده بود که چرا نشریه رسمی جمعیت، گاهی دولت مجاهدین به ریاست برهان‌الدین ربانی را به توپ می‌بندد و با لحنی خشم‌گینانه از عملکرد آن انتقاد می‌کند.

ادامه در صفحه ۶

من خودم را از جمله آدم‌های کتاب‌دوست و تا حدودی کتاب‌خوان می‌شمارم. از زمانی که دست چپ و راستم را شناختم، کتاب و کتابخوانی بخشی از زنده‌گیام را تشکیل داده است. چند سال اول در اثر فشار و اجبار تن به مطالعه می‌دادم و پس از آن، آهسته‌آهسته از صمیم قلب به خواندن کتاب علاقه‌مند شدم و از روی رضا و رغبت کتاب می‌خواندم؛ مخصوصاً مطالعه آن دسته از کتاب‌ها که خارج از برنامه درسی بود برایم جاذبه خاص داشت. به این علت که در درازنای سال‌ها، آدم کتاب‌دوست و کتاب‌خوانی بوده‌ام، طبیعتاً خاطراتی مربوط به کتاب و قلم و کتاب‌خانه در ذهنم جای‌گیر شده است. اکنون می‌خواهم قسمتی از این خاطرات را از منظری خاص با خواننده‌گان در میان بگذارم.

من در خانواده‌ای فرهنگی و اهل کتاب متولد شده‌ام. پدرم از ملاهای برجسته و نام‌آور پنجشیر است و به گواهی خواص و عوام، در علوم شرعی و مخصوصاً فقه حنفی به قدر کفایت تبحر داشت. به علت تبحرش در فقه، مردم همواره برای حل مشکلات دینی و فقهی‌شان به وی مراجعه می‌کردند. پدرم کتاب‌خانه‌ای داشت که با سنجه‌های آن زمان، کتاب‌خانه‌ای غنی و پروپییمان بود. به اقتضای شغل پدرم، قسمت اعظم کتاب‌های این کتاب‌خانه را «کتاب‌های ملایی» از قبیل کتاب‌های متعلق به رشته‌های فقه، عقاید، صرف، نحو، بلاغت، منطق و هیأت تشکیل می‌داد. در این کتاب‌خانه تک‌و‌توک کتاب‌هایی که نویسندگان معاصر نوشته بودند و از مسایل و معضلات عصر حاضر سخن می‌زدند نیز یافت می‌شد. این کتاب‌ها بیشتر شامل تراوشات قلمی نویسندگان و اندیشه‌گران جریان اسلام سیاسی از قبیل حسن‌البننا، مودودی، سید قطب، محمد قطب و زینب غزالی می‌شد. از شعر و رمان کمتر کتابی در آن‌جا یافت می‌شد. با این‌همه، کتاب‌های سعدی، حافظ و مولانا در گوشه‌هایی از این کتاب‌خانه به چشم

می‌آمدند. کتاب‌های درسی ما به زبان عربی نوشته شده و تقریباً همه آن‌ها در قسه‌خوانی پیشاور به چاپ رسیده بودند. بیشتر این کتاب‌ها توسط اشخاصی که صدها سال پیش می‌زیسته‌اند، تألیف شده بودند. زمانی که من کمابیش می‌توانستم کتاب فارسی بخوانم و چیزی از آن به دست بیاورم و علاقه‌مند «سرک کشیدن ابلیس‌وار» به کتاب‌های بیرون از برنامه درسی شدم، سال‌هایی بود که پنجشیر در محاصره طالبان قرار داشت و از هر لحاظ ارتباطش با دنیای بیرون قطع شده بود. من از اواخر دهه ۹۰ میلادی سخن می‌زنم. به علت همین وضعیت استثنایی، کتاب تازه هم در دسترس نبود؛ چون اگر قرار بود کتابی به پنجشیر و حوالی آن بیاید می‌بایست از قلمرو طالبان عبور کند و طالبان نسبت به کتاب‌ها و مواد فرهنگی ممنوعیت‌های ویران‌گر اعمال کرده بودند. یادم هست که یک تن از هم‌صنف‌های ما که بزرگ‌تر، باتجربه‌تر و پخته‌تر از ما بود می‌گفت که یک کتاب از زمان چاپ شدن تا رسیدنش به ما باید ۵۰ سال را طی کند. او این حرف را با لحنی بر زبان می‌آورد که بیان‌گر درمانده‌گی و اعتراض او به وضع موجود بود.

برای توضیح این ادعا مثالی می‌زنم: کتاب «حلال و حرام در اسلام» اولین و نام‌بردارترین کتابی است که دکتر یوسف قرضاوی در رشته فقه و پرسش‌های عصر جدید به نگارش درآورده است. او این کتاب را در سال ۱۹۶۰ میلادی نگاشته است. اما ما به ترجمه فارسی آن که توسط شخصی به نام ابوبکر حسن‌زاده صورت گرفته، پس از سقوط طالبان (۲۰۰۱) دسترسی یافتیم؛ یعنی ۴۰ سال بعد. در سال ۱۳۸۰ و در اواخر سلطه اول طالبان، قادر شدم از طریق دوستی در روستای ما به کتابی از عبدالکریم سروش دست پیدا کنم، اگرچه با توجه به پایین بودن سطح فکرم، نمی‌توانستم بسیاری از حرف‌های سروش را درک کنم. این کتاب‌ها از یکی از افراد سرشناس بود به نام عبدالودود پیمان که بعدها از ولایت کندز به پارلمان افغانستان راه یافت. با مطالعه کتاب مدارا و مدیریت عبدالکریم سروش به مکاشفه‌ای لذت‌آور دست یافته بودم و تصور می‌کردم دنیای تازه و شگفت‌انگیز به رویم باز شده و به گنجینه‌ای گران‌بها دست یافته‌ام.

گوشه‌ای از کتاب‌خانه پدری، به آرشیف نشریات و مجلات چاپ‌شده در دوران جهاد و دوران حاکمیت



## تقلا برای زنده ماندن؛

# حلیمه: اگر کار نکنم از گرسنه‌گی می‌میرم

حلیمه زن کهن‌سالی است که جوار دانشگاه کابل دست‌فروشی می‌کند و برای فروش چوکی‌های چوبی و پاروهای وطنی از خانه برآمده تا نفقه خودش و شوهر کهن‌سالی را تأمین کند. حلیمه می‌گوید، تنها کاری که با آن می‌تواند از گرسنه‌گی در امان باشد، همین دست‌فروشی است؛ کاسبی که سرما و گرما را نمی‌شناسد، ادامه ندهد از گرسنه‌گی هلاک می‌شود.



۸ صبح، کابل

افغانی سود به فروش می‌رساند. حلیمه علاوه می‌کند: «پسرم در نجاری کار می‌کند. یک چوب را به ۱۵۰ افغانی می‌خرد و از آن ۳ یا ۴ چوکی ساخته می‌سازد. اگر پول چوب و نخ پلاستیکی و رنگ را حساب کنیم از یک چوکی ۱۰ تا ۲۰ افغانی مفاد می‌کنیم و همین زنده‌گی ما را می‌چلاند.» این خانم کهن‌سال بیشتر توضیح می‌دهد: «مردم این چوکی‌ها را می‌خرند و در زمان وضو از آن استفاده می‌کنند. باز حالا زمستان است پارو هم می‌فروشم تا یک لقمه نان هم از فروش آن به دست بیاورم.»

حلیمه روزانه ۳ تا ۴ چوکی چوبی می‌تواند بفروشد و به سخن او، مردم در روزهای برفی پارو نیز خریداری می‌کنند و از سود آن او و شوهر کهن‌سالی‌اش امرار معاش می‌کنند. درباره هوای سرد از او می‌پرسیم، می‌گوید که کار او و شوهرش طوری است که اگر رخصتی کنند، پسمان می‌شوند و در آخر ماه از پرداخت کرایه خانه عاجز می‌مانند.

فقر و ناداری در چهره‌اش پیدا است. او باید ماهانه سه هزار افغانی بابت کرایه خانه بپردازد و مخارج خانواده دو نفری را نیز تأمین کند. با آه سردی از نامهربانی‌های پسرش می‌گوید: «من و پسر در خانه یکجا زنده‌گی می‌کنیم، اما مجبورم برای پرداخت کرایه خانه در آخر ماه آماده باشم؛ چون پسر با من و پدرش همکاری نمی‌کند و دست ما را نمی‌گیرد.» در هوای برفی کابل دهها حلیمه دیگر در جاده‌ها دیده می‌شوند. ریزش برف از یک سو و هوای سرد پایتخت از طرف دیگر؛ اما این دو نتوانسته از جمعیت زنان دست‌فروش و تگدی‌گر در کابل بکاهد. جاده‌های پایتخت در روزهای زمستان روایتی از فقر حاکم در این شهر دارد.

جنگ‌های خانمان‌سوز چندین‌ساله، به ویژه نبردهای مسلحانه اخیر طالبان با حکومت پیشین، هزاران شهروند کشور را از خانه و کاشانه آواره ساخته است. شدت نبردها که در سال‌های پسین به حومه‌های شهرها و روستاهای افغانستان رسیده بود، باشندگان محلات جنگ‌زده را وادار به ترک خانه‌هایشان کرده است. کابل به عنوان پایتخت کشور گواه هزاران بی‌جاشده داخلی است. افرادی که سال‌ها ناداری و پستی روزگار را چشیده‌اند.

حالا پس از تسلط دوباره طالبان بر کشور، فقر دامانش را بیشتر گسترانده و زنده‌گی را به کام آواره‌گان داخلی بیشتر از پیش تلخ‌تر ساخته است. فرار مغزها، فرار سرمایه، ترس از تجارت و قطع کمک‌های خارجی از عواملی هستند که اقتصاد شهروندان را به شدت آسیب رسانده است. بررسی سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که در حال حاضر حدود ۲۸ میلیون جمعیت ۳۶ میلیونی افغانستان، به کمک‌های خارجی نیاز دارند. رقمی که ۷۷ درصد نفوس مجموعی کشور را شکل می‌دهد. طالبان اما به جای کمک به اقتصاد کشور، به دنبال وضع محدودیت‌های بیشتر بر شهروندان هستند.

دانه‌های برف یکی از پس از دیگری از آسمان غبارآلود کابل به زمین فرود می‌آید. پیاده‌روها و اطراف جاده‌های آسفالت‌شده نیز تا حدی سفیدپوش شده است. من از کنار دیوار دانشگاه کابل به سمت منطقه کارته‌سخی در حرکت هستم. در روزهای برفی عابران کمتری در جاده‌ها رفت‌وآمد می‌کنند. هوا به شدت سرد است و مه و دود در جاده‌های پایتخت حاکم. شدت سرما و ریزش برف پیاده‌روها را تخلیه کرده و عابران را خانه‌نشین کرده است. نشانه‌های فقر اما در گوشه و اطراف شهر بیداد می‌کند. تگدی‌گران، کسبه‌کاران و کودکان اسپندی هنوز هم روی جاده‌ها به دنبال نان هستند.

در این میان اما خانم کهن‌سالی در وسط یکی از پیاده‌روهای کنار جاده توجه‌ها را به خود جلب می‌کند. نزدیک او می‌روم تا احوالش را جويا شوم. درد از صدایش پیدا است و فقر و ناداری در چهره‌اش دیده می‌شود. روزگار ظالم او را واداشته در هوای سرد زمستان، فرود آمدن برف را نادیده بگیرد و به دنبال فروش چوکی‌های چوبی و پاروها (راش‌بیل)‌اش باشد.

حلیمه زن کهن‌سالی است که جوار دانشگاه کابل دست‌فروشی می‌کند و برای فروش چوکی‌های چوبی و پاروهای وطنی از خانه برآمده تا نفقه خودش و شوهر کهن‌سالی را تأمین کند. حلیمه می‌گوید، تنها کاری که با آن می‌تواند از گرسنه‌گی در امان باشد، همین دست‌فروشی است؛ کاسبی که سرما و گرما را نمی‌شناسد، ادامه ندهد از گرسنه‌گی هلاک می‌شود. این خانم کهن‌سال می‌افزاید: «از همین طریق من و شوهرم چهار سال است که نان پیدا می‌کنیم.»

حلیمه گام‌به‌گام با شوهرش در تأمین نفقه خانواده دو نفری‌اش بازو می‌دهد. او توضیح می‌دهد که از اول صبح تا ساعت ۱۰ پیش از چاشت شوهرش دست‌فروشی می‌کند و پس از آن تا ساعت ۲ پس از چاشت خودش مصروف این کار می‌باشد. حلیمه، باشنده اصلی شهر کندز است که چهار سال پیش به سبب جنگ‌های مسلحانه میانه نیروهای نظامی نظام جمهوری با جنگ‌جویان طالبان به کابل آواره شده و دوباره به زادگاهش برنگشته است. او می‌گوید:

«جنگ‌ها بسیار زیاد شده بود. ما به خاطر این که زنده بمانیم، وطن را ترک کرده به کابل آمدم.»

حلیمه با شوهر کهن‌سال و پسر زن‌دارش در خانه کرایه‌ای در منطقه «کارته‌سخی» شهر کابل زنده‌گی می‌کند، اما پسرش پس از دو سال زنده‌گی با مادر و پدر، نان و درآمدش را از آن‌ها جدا کرده است: «عروسم خوش نبود نان و خوراک ما یکجا باشد. بچیم خود را سوا کرد. یکجا و در یک خانه زنده‌گی می‌کنیم، اما خرج و خوراک ما جدا است.»

حلیمه می‌گوید که پسرش در یکی از نجاری‌های پایتخت کار می‌کند و این صندلی‌های چوبی را در بدل پول برایش می‌سازد. او چوکی‌ها را از پسرش می‌خرد و در جاده‌های کابل در بدل ۱۰ تا ۲۰

## والی طالبان در غور:

# نگذارید زنان بدون محرم در شهر گشت وگذار کنند

منابع در ولایت غور به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که احمدشاه دین‌دوست، والی طالبان برای غور، در یک نشست اداری از توقف فعالیت‌های موسسه‌ها خشمگین شده و گفته که موسسه‌های خارجی با مردم افغانستان صادق نیستند و مسأله «حجاب» را بهانه گرفته و فعالیت‌هایشان را توقف داده‌اند. والی طالبان برای غور در این نشست اداری به کارمندان اداره امر به معروف و نهی از منکر دستور داده که از این پس نگذارند زنان بدون محرم در جاده‌های شهر گشت وگذار کنند.

۸ صبح، غور

گشت وگذار می‌کرده‌اند. شریفه، باشنده شهر فیروزکوه، مرکز ولایت غور، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که روز یکشنبه، ۱۱ جدی با یکی از نزدیکانش به بازار رفته بوده و متوجه شده که حضور زنان در شهر به شدت کم‌رنگ بوده است. او می‌افزاید: «وقتی بازار رفتن نسبت به روزهای قبل، بازار خالی از زنان احساس می‌شد. وقتی پرسیدم که چرا در شهر خانم‌ها کمتر دیده می‌شوند، خبر شدم که والی گفته، زنان حق ندارند بدون محرم به بازار بروند.» او علاوه می‌کند که هرچند در شهر فیروزکوه بازار ویژه‌ای برای زنان وجود ندارد، اما قبلاً هرازگاهی بازار می‌رفته و زنان بیشتری را در ساحه «سرپل» و «بازار کابلی‌ها» می‌دیده است.

وضع محدودیت از سوی طالبان بر بیرون شدن زنان بدون محرم از خانه، نگرانی فعالان حقوق زن را برانگیخته است. شماری از فعالان حقوق زن در غور می‌گویند که طالبان با این محدودیت‌های سخت‌گیرانه، تلاش دارند زنان افغانستان را به انزوا بکشاند. شریفه محمدی (نام مستعار) فعال حقوق زنان به روزنامه ۸ صبح، می‌گوید: «نزدیک به دو سال می‌شود که این‌ها طالبان | حکومت می‌کنند. شما ببیند که چی ظلمی به حق زنان روا نداشته‌اند. مکتب را بستند، دانشگاه‌ها را بستند و زنان را از کار منع کردند و حالا می‌گویند که از خانه بیرون نشو و به بازار نرو.» خانم شریفه این محدودیت‌های طالبان علیه زنان را نقض حقوق بشر عنوان می‌کند و می‌افزاید: «نزدیک به یک سال می‌شود که خشونت‌های خانوادگی و ازدواج‌های اجباری در این ولایت اوج گرفته و طالبان عامل این کار هستند.»

طالبان پس از قدرت‌گیری در افغانستان محدودیت‌های زیاد علیه زنان وضع کرده‌اند. این گروه با تسلط بر افغانستان، درب مکاتب بالاتر از صنف ششم را به‌روی دختران بستند، متعاقباً درب حمام‌های زنانه را بستند و زنان را از رفتن به پارک‌های تفریحی منع کردند. طالبان همچنان در تازه‌ترین اقدام درب دانشگاه‌ها را به‌روی دختران بستند و زنان را از کار در نهادهای داخلی و خارجی منع کردند. وضع محدودیت بر زنان توسط طالبان، با واکنش‌های ملی و بین‌المللی مواجه شده است، اما طالبان هیچ اعتنایی به خواست شهروندان، نهادها و سازمان‌های حقوق بشری و نماینده‌گان رسمی کشورهای دیگر ندارند.

به دنبال مسدود کردن درب مکتب‌های متوسطه، لیسه‌ها و دانشگاه‌ها به‌روی دختران و تعلیق کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی، طالبان تلاش دارند فضا را برای زنان تنگ‌تر بسازند. والی طالبان در غور به‌تازگی از جنگ‌جویان این گروه خواسته تا جلو گشت وگذار زنان بدون محرم را بگیرند.

منابع در ولایت غور به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که احمدشاه دین‌دوست، والی طالبان برای غور، در یک نشست اداری از توقف فعالیت‌های موسسه‌ها خشمگین شده و گفته که موسسه‌های خارجی با مردم افغانستان صادق نیستند و مسأله «حجاب» را بهانه گرفته و فعالیت‌هایشان را توقف داده‌اند. والی طالبان برای غور در این نشست اداری به کارمندان اداره امر به معروف و نهی از منکر دستور داده که از این پس نگذارند زنان بدون محرم در جاده‌های شهر گشت وگذار کنند.

والی طالبان در غور خطاب به محتسبان اداره امر به معروف گفته است: «شما یک اداره هستید. بگیرید جلو زنان را که بدون محرم به بازار نروند. شما برای چه کاری هستید.» این دستور والی طالبان، گشت وگذار محتسبان اداره امر به معروف و نهی از منکر این گروه را در شهر فیروزکوه بیشتر ساخته است.

پریما، یکی از زنان غوری است که از وضع محدودیت‌های روزافزون طالبان بر زنان شکایت دارد. وی می‌گوید که پس از این نمی‌تواند بدون محرم به بازار برود. بدون آگاهی از این دستور طالبان، بدون محرم به بازار رفته، اما هنگام خرید دکان‌دار برای توصیه کرده که هرچه زودتر خرید کند و به خانه برگردد. پریما می‌افزاید: «دکان‌دار برایم گفت که حتماً نفرهای امر به معروف شما را ندیده، اگر نه شما را به بازار نمی‌گذاشتند.» پریما می‌افزاید: «از دکان‌دار پرسیدم، دلیل چیست که بازار امروز از وجود زنان خلوت و شما هم این سخنان را می‌گویید؟ در جوابم گفت: روز پنج‌شنبه در ولایت، والی گفته که زنان را بدون محرم در بازارها نگذارید گشت وگذار کنند. والی به نفرهای امر به معروف روز پنج‌شنبه گفته که زن‌ها را به بازار نگذارید تا بدون محرم بیایند. از همی خاطر امروز داخل بازار زن‌ها کم است.» پریما همچنان می‌گوید که او همراه چند تن از اعضای خانواده‌اش که زنان بوده‌اند، در بازار برای خرید رفته و همان روز شهر کاملاً مردانه بوده و زنان کمتری در بازار بوده‌اند. آن‌هایی که بوده هم با مردان خانواده‌هایشان





# راننده‌گان و مسافران ولسواله‌های خم‌آب و قرقین جوزجان از خرابه‌های شکایت دارند

جاده‌های میعاری، نبود مرکزهای صحنی و نبود کار برای جوانان مواجه هستند و با وجود شکایت‌ها به مسوولان نظام جمهوری، هیچ توجهی به وضعیت آنان صورت نگرفت.

باشنده‌گان ولسوالی‌های خم‌آب و قرقین و راننده‌گان این مسیر از مسوولان محلی می‌خواهند که به رفع مشکلات آنان توجه کنند و راه‌های مواصلاتی این ولسوالی‌ها را از عواید نفت‌وگاز جوزجان ترمیم و بازسازی کنند.

ولسوالی‌های خم‌آب و قرقین جوزجان تا مرکز شهر شبرغان، حدود ۱۵۰ تا ۱۷۰ کیلومتر فاصله دارد. ولسوالی قرقین از جنوب با ولسوالی‌های مردیان و منگجک، از غرب با ولسوالی خم‌آب، از شمال با کشور ترکمنستان و از شرق با ولایت بلخ هم‌مرز است. همچنان ولسوالی خم‌آب در ۱۷۵ کیلومتری شمال شهر شبرغان موقعیت دارد که از طرف شمال با ترکمنستان، در شرق با ولسوالی قرقین، در جنوب با ولسوالی خواجه‌دوکوه و در غرب با ترکمنستان هم‌مرز است.

براساس یک بررسی اداره احصاییه و معلومات که دو سال پیش انجام شد، جمعیت این دو ولسوالی بیش از ۵۰ هزار تن تثبیت شده است.

مسوولان محلی طالبان در جوزجان، خرابی جاده‌ها و مشکلات مسافران در مسیر رفت‌وآمد به شهر شبرغان را تأیید می‌کنند و می‌گویند که طرح بازسازی مسیر ولسوالی‌های این ولایت به مرکز را با مقام‌های طالبان در مرکز ولایت شریک ساخته‌اند. مولوی سیف‌الدین معتصم، رییس اطلاعات و فرهنگ طالبان در جوزجان، توضیح می‌دهد که ریاست فواید عامه این ولایت برای بازسازی شاهراه‌های ولسوالی‌های این ولایت در سال آینده برنامه‌هایی روی دست دارد. او اما جزئیات بیشتری به دست نمی‌دهد.

این در حالی است که جوزجان یکی از ولایت‌های نفت‌خیز کشور است. طالبان از بابت معدن نفت‌وگاز این ولایت ماهانه میلیون‌ها افغانی عواید گردآوری می‌کنند. باشنده‌گان ولسوالی‌های جوزجان از طالبان می‌خواهند که با استفاده از عواید داخلی این ولایت، برای ترمیم و بازسازی جاده‌های عمومی استفاده کنند.

وضعیت روبه‌رو می‌شود. او می‌افزاید که هر سال در این مسیر چندین موتر مسافربری و باربری واژگون می‌شود و برعلاوه خسارات مالی، شمار زیادی از مسافران جان‌های‌شان را نیز از دست می‌دهند. لطیف، یکی از راننده‌گان این مسیر نیز می‌گوید که راننده‌گان و مسافران این مسیر، همواره با مشکلات مواجه هستند. به گفته او، هیچ‌کسی برای رفع مشکلات موجود در مسیرهای مواصلاتی ولسوالی‌های خم‌آب و قرقین توجه ندارد. او تأکید می‌کند که در دوره جمهوریت نیز باشنده‌گان این ولسوالی‌ها به سبب خرابی جاده‌ها صدا بلند کرده بودند، اما به شکایت باشنده‌گان این ولسوالی‌ها هیچ‌کسی توجه نکرد.

یکی از مسافرانی که به گفته خودش از بلخ به شهر شبرغان و سپس به ولسوالی قرقین رفته، می‌گوید: «هنگامی که از بلخ به شهر شبرغان رسیدم، مشکلات زیادی را متحمل نشدم، اما زمانی که از مرکز جوزجان به سوی ولسوالی قرقین حرکت کردم، خرابی جاده‌ها برابم بی‌حد خسته‌کن بود.»

مسافران این مسیر خاطر نشان می‌سازند که آنان مسافت ۱۵۰ کیلومتر را به دلیل خرابی سرک‌ها در شش ساعت طی می‌کنند. عوض‌اکه، یکی از بزرگان ولسوالی قرقین، می‌گوید: «خرابی سرک‌ها تنها مشکلات ما مردم نیست، بلکه باشنده‌گان این ولسوالی از بابت نبود امکانات صحنی و مواد خوراکی نیز مشکلات داریم.» عوض‌اکه می‌افزاید: «با وجود این که نظام سیاسی تغییر کرده، اما تا حال یکی از مسوولان حکومت سرپرست برای رفع مشکلات ما به ولسوالی قرقین سفر یا اقدام نکرده است.»

این بزرگ قومی علاوه می‌کند که از سال‌های سال با مشکلات زیاد، از جمله نبود خدمات شهری،



**مسافران این مسیر خاطر نشان می‌سازند که آنان مسافت ۱۵۰ کیلومتر را به دلیل خرابی سرک‌ها در شش ساعت طی می‌کنند.**

باشنده‌گان ولسوالی خم‌آب در فصل زمستان به دلیل خرابی جاده‌ها، مسیر دوساعته به شهر شبرغان، مرکز جوزجان را در سه‌ونیم تا چهار ساعت طی می‌کنند. بی‌نظمی ترافیکی، حفره‌های بزرگ و جمع شدن آب و گل در جاده‌های عمومی سبب می‌شود که در مواردی، موترها دچار عوارض تخنیکی شوند و جاده‌ها برای ساعت‌ها به‌رو می‌رفت‌وآمد مسافران بسته بمانند.

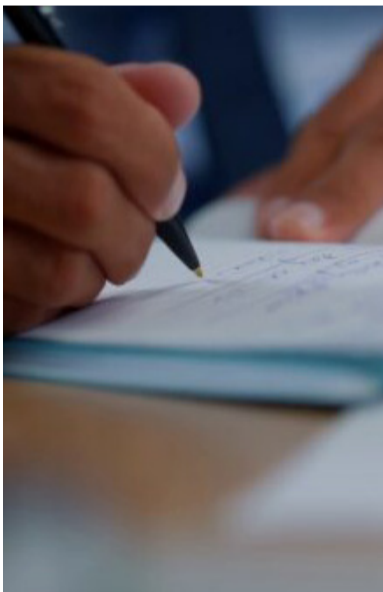
محمداکمل، باشنده ولسوالی خم‌آب، یکی از مسافرانی است که موترش در مسیر راه این ولسوالی به مرکز ولایت در حفره‌ای گیر مانده است. او در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «ساعت هفت صبح حرکت کردیم و با سپری شدن هفت ساعت، تاکنون موترم در این‌جا گیر مانده است. وقتی زمستان می‌رسد، این راه از سه تا پنج ماه با همین

۸صبح، جوزجان

باشنده‌گان ولسوالی‌های خم‌آب و قرقین جوزجان از خرابی جاده‌های عمومی و راه‌های مواصلاتی این دو ولسوالی به شهر شبرغان، مرکز این ولایت، شکایت دارند. آنان مسوولان محلی را در قسمت ترمیم و بازسازی جاده‌های عمومی به بی‌توجهی متهم می‌کنند و خواهان اسفالت جاده‌های مواصلاتی این ولسوالی‌ها تا مرکز جوزجان هستند. به گفته آنان، راه‌های مواصلاتی این دو ولسوالی به مرکز، در پی برف‌باری، باران و سیلاب‌ها به شدت تخریب شده و عابران با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند. مسوولان محلی طالبان در جوزجان، خرابی جاده‌های عمومی این ولسوالی‌ها را تأیید می‌کنند، اما می‌گویند که سال آینده در این زمینه توجه خواهند کرد.

## می‌خوانیم و می‌نویسیم

**با سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ و حضور نیروهای نظامی امریکا و ناتو در افغانستان، زندگی من به شدت دگرگون شد. بسیاری از هم‌نسلان من نیز چنین دگرگونی‌ای را تجربه کردند. هر کس به فراخور حال خود. این دگرگونی در زمینه‌های مختلف صورت گرفت، ولی آن‌چه بیشتر ملموس و محسوس بود، دگرگونی‌های فرهنگی بود.**



می‌شوم. به همین علت، می‌کوشیدم برای اثبات خود کارهایی کنم. در ۱۱-۱۲ ساله‌گی دور از چشم خانواده در مدتی کوتاه، قرآن را حفظ کردم. این کار برای کودکی معصوم چه معنا و محملی دارد، جز این که بخواهد احساسات جاه‌طلبانه‌اش را اشیاع کند. چندین سال بعد از این ماجرا، یکبار شنیدم که شخصی مدعی شده که فلائی (من) نویسنده خوبی نیست. در کنار این که از این حرف او ناراحت شدم، در مدت دو سه سال خود را به آب و آتش می‌زدم و اوقات زیادی را اختصاص به نوشتن برای وب‌سایت‌ها و نشریات مختلف کردم تا عملاً ادعای او غلط ثابت شود. در همین برهه زمانی، کتابی پر حجم را از عربی به فارسی به رایگان ترجمه کردم و وقت و انرژی‌ام را هدر دادم؛ چون آن کتاب، از ارزش علمی بالایی برخوردار نبود، اما من بیش از آن که در فکر ارزش کتاب باشم، می‌خواستم توانایی و مهارت‌م را به همه‌گان نمایان کنم.

استقرار نظم جمهوری پس از معاهده بُن در کنار هزار عیب و ایرادی که ممکن بود داشته باشد و از آن بسیار سخن گفته‌اند، چشم نسل من را به دنیای جدید باز کرد و با مفاهیم و ارزش‌های تازه آشنا ساخت. با سقوط طالبان، حس می‌کردیم که از چاهی تنگ و تاریک به صحرایی وسیع و ناکرانه‌پیدا گام گذاشته‌ایم. تازه درک می‌کردیم که شیوه‌های زیست بهتری هم وجود داشته و ما بی‌خبر بوده‌ایم. پیش از آن، بیشتر مردم آن‌چنان غرق تأمین نیازهای اولیه زنده‌گی بودند که ارزشی به آموزش و کتاب قابل نبودند، اما با استقرار نظم نوین، چهره شهرها و روستاها به تدریج عوض می‌شد؛ معارف رونق می‌گرفت، دانشگاه‌ها پر از جوانان شاد و پرنرزی می‌شد و بازارها هر روز به جنب‌وجوش اضافه می‌شد. در سال‌های آغازین پس از بُن، در روستاها با آموزش دختران مخالفت‌هایی از سوی پاره‌ای از ملاها صورت می‌گرفت، ولی این مخالفت‌ها راه به دهی نبرد و آهسته‌آهسته به خاموشی رفت. اشتیاق دختران و پسران به آموزش حتا در دورافتاده‌ترین مناطق افغانستان به وضوح مشاهده می‌شد.

ادامه در صفحه ۷

آهسته‌آهسته نظم و نسق دیگری یافت. گویا مردم افغانستان به عصر دیگری قدم گذاشته بودند. در همین راستا، دسترسی به کتاب آسان‌تر شد و من که روزگاری از شدت بی‌کتابی یک کتاب را بارها می‌خواندم، اینک با انبوهی از کتاب‌ها روبه‌رو و حیران بودم که از میان آن‌ها کدام یک را برای مطالعه بگزینم. به محض سقوط طالبان، تقریباً همه کتاب‌های عبدالکریم سروش را که به‌تازگی با وی آشنایی حاصل کرده بودم، خریدم و با ولع خواندم. در همان آخرین سال حاکمیت طالبان، یکی دو شماره از مجله میهن که از سوی نماینده‌گی فرهنگی جبهه مقاومت به رهبری احمدشاه مسعود در مشهد ایران چاپ و منتشر می‌شد، به پنجشیر رسیده بود و من موفق شده بودم آن را مطالعه کنم. از طریق این نشریه با نام محمدکاظم کاظمی آشنا شدم. پس از سقوط طالبان، وقتی به کتاب‌فروشی‌ها می‌رفتم، سراغ کتاب‌های کاظمی را می‌گرفتم. در همین ایام، «روزنه» و «هم‌زبانی و بی‌زبانی» کاظمی را خواندم و با مفاهیم آن‌ها شب‌ها و روزها را سپری کردم.

سال‌ها پیش، باری پدرم در مورد عادت غذاخوری‌اش حرف زد. نمی‌دانستم مناسب‌تش چه بود. گفت: «از آن‌جا که در کودکی و جوانی غذای خوب نمی‌یافتم و هر خوراکی را که به دست می‌آمد می‌خوردم، حالا نیز که سال‌خورده شده‌ام، هر خوراکی را که می‌خورم، حتا اگر برای دیگران بی‌مزه باشد، برابم لذت و کیف دارد.» این داستان برای من در خصوص تهیه کتاب تکرار شد. من چون دوران بی‌کتابی و نایابی کتاب را از سر گذرانده بودم، زمانی که طالبان سقوط کردند، هر دفعه که به کتاب‌فروشی‌ها می‌رفتم، کتاب می‌خریدم و گاهی از شدت شتاب و هیجان، کتاب‌های کم‌ارزش یا بی‌ارزش

با آن که کسی من را تشویق به مطالعه آزاد کتاب یا خواندن روزنامه نکرده بود، اما میلی باطنی و اشتیاقی درونی وادارم می‌کرد که باید هر طوری شده از جهان کتاب‌ها، روزنامه‌ها و مجلات سر در بیاورم. حالا که این تمایلم را موشکافی می‌کنم، حدسم بر این قرار می‌گیرد که گویا با غوطه خوردن در آن دنیای بزرگ و متفاوت، می‌خواستم واقعیت‌های تلخ زندگی روزمره را از یاد بیرم و گریزگاهی برای خود از آن فضای خشن و ظلمانی بیابم. زنده‌گی واقعی من در آن دوران، ارزش زیستن نداشت. از آن گذشته، احتمالاً کمبود کتاب نیز سبب شده بود که آتش اشتیاقم به خواندن کتاب‌ها بیشتر شود. شخصی که تشنه باشد، اما ببیند که آب در دسترسش نیست، تشنه‌گی‌اش افزون‌تر می‌شود. کمبود کتاب اگر از یک طرف به علت در محاصره قرار داشتن زیست‌گاه ما بود، از سوی دیگر ریشه اقتصادی هم داشت. خانواده ما از خانواده‌هایی بودند که با «قوت لا یموت» زنده‌گی را سر می‌کردند. ما حتا در خریدن کتاب‌چه یا قلم برای نوشتن با گرفتاری و مضیقه مواجه بودیم، چه رسد به این که کتاب بخیریم؛ آن‌هم کتاب‌هایی که از هفت‌خوان رستم گذشته و به ما رسیده باشد که طبعاً خریدن آن گران تمام می‌شد.

با سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ و حضور نیروهای نظامی امریکا و ناتو در افغانستان، زنده‌گی من به شدت دگرگون شد. بسیاری از هم‌نسلان من نیز چنین دگرگونی‌ای را تجربه کردند. هر کس به فراخور حال خود. این دگرگونی در زمینه‌های مختلف صورت گرفت، ولی آن‌چه بیشتر ملموس و محسوس بود، دگرگونی‌های فرهنگی بود. پول وافر که به افغانستان سرازیر شد، وضعیت اقتصادی مردم را متحول کرد و به تبع آن، سبک زنده‌گی آنان

# روزنامه نگاران از وعده خلافی نهادها و کشورهای حامی شکایت دارند

۸ صبح، کابل

دهها خبرنگار افغان که پس از تسلط طالبان بر کشور، به دلیل تهدیدهای امنیتی به ایران رفته‌اند، با وضعیت رقتبار و بی‌سروشتی مطلق مواجه هستند. آنان از بی‌توجهی نهادها و کشورهای حامی خبرنگاران شکایت دارند و می‌گویند، براساس وعده‌هایی که از سوی نهادها و کشورها برای آنان داده شده بود، وارد ایران شده‌اند، اما اکنون در بی‌سروشتی مطلق قرار گرفته و هیچ کشور و نهادهای به آنان توجه نمی‌کند. آواره‌گی، نبود دورنما برای آینده، تمدید نشدن ویزا، مشکلات اقتصادی و خطر اخراج به افغانستان سبب شده، شماری از این خبرنگاران زیر فشارهای شدید روانی قرار بگیرند. آنان از کشورها و نهادهای حامی خبرنگاران می‌خواهند که به پرونده‌هایشان رسیدگی کنند.

هارون بصیر، یکی از دهها خبرنگاری است که به دلیل تهدیدات امنیتی در افغانستان، به ایران پناه برده است. او مدت هفت سال در رسانه‌های مختلف کشور کار کرده و حدود شش ماه پیش به دلیل مشکلات امنیتی کشور را ترک کرده و وارد ایران شده است. آقای بصیر در صحبت با روزنامه ۸ صبح، می‌گوید که با توجه به وعده‌هایی که از سوی نهادهای مدافع رسانه‌ها و خبرنگاران دریافت کرده بود، به ایران رفته، اما به گفته او، هیچ یکی از این نهادها به پرونده خبرنگاران در تبعید به‌گونه جدی اقدام نمی‌کنند.

این خبرنگار می‌افزاید: «پس از سقوط حکومت پیشین من و جمعی از خبرنگاران دیگر شامل لیست تخلیه برخی نهادهای حامی خبرنگاران بودیم و این نهادها وعده سپرده بودند، در صورتی که به یکی از کشورهای

دومی بروید، ما شما را کمک می‌کنیم که به یکی از کشورهای اروپایی پناهنده شوید؛ اما ماه‌ها می‌گذرد که کسی به ما توجه جدی نمی‌کند. ما در این‌جا [ایران] ماه‌ها است که وقت ملاقات با سفارت‌ها می‌خواهیم، اما زمینه آن تاکنون مساعد نشده است. کشورهایی که وعده پذیرش افراد آسیب‌پذیر افغانستانی را هم داده بودند، به ما توجه جدی نمی‌کنند.»

سنوبر پارسا صدیقی، خبرنگار دیگری است که مدت هفت ماه می‌شود به ایران رفته است. او مدت پنج سال در رسانه‌ها به عنوان خبرنگار و در نهادهای مدافع حقوق زنان در افغانستان کار کرده است. سنوبر می‌گوید که تهدیدات امنیتی و وضع محدودیت‌ها علیه زنان، او را ناگزیر به ترک کشور کرده است. او اضافه می‌کند: «در حال حاضر بی‌سروشت و در یک آینده نامعلوم در این‌جا [ایران] به سر می‌برم. تمام تلاش‌هایی که انجام دادم برای به دست آوردن ویزه‌های بشردوستانه کشورهای اروپایی، با تاسف تا حالا جواب دریافت نکرده‌ام. وضعیت جاری ایران هم بحرانی است. همچنان به دلیل وضع تحریم‌ها در ایران هیچ حمایت‌کننده مالی نداریم و هیچ نهادی هم حاضر به حمایت از ما نمی‌شود. اکنون خیلی با یک وضعیت بد اقتصادی و روحی‌روانی مواجه هستیم.»

بانو صدیقی از جامعه جهانی، نهادهای بین‌المللی و همچنان نهادهای پشتیبان رسانه‌ها و خبرنگاران می‌خواهد که به مشکلات آنان هرچه زودتر رسیدگی کنند. نوریه شیخ‌متمی، یکی دیگر از کارمندان رسانه‌های است که در ایران به سر می‌برد. او می‌گوید که با وصف تلاش‌های زیاد نتوانسته از هیچ مرجعی کمک یا وعده قبولی کشورهای غربی را به دست بیاورد. خانم نوریه می‌افزاید که در حال حاضر بیشتر خبرنگاران



افغانستانی در ایران با مشکلات تمدید نشدن ویزا، مواجه هستند. او علاوه می‌کند: «ویزای بیشتر خبرنگاران در این کشور تمام شده، اما این کشور تمدید نمی‌کند. برای ما می‌گویند که برگردید به کشورتان. در حالی که ما نمی‌توانیم به کشور برگردیم. اگر برگردیم از سوی طالبان بازداشت، شکنجه و حتا زندانی می‌شویم.»

این کارمند رسانه‌های بیشتر توضیح می‌دهد: «مشکلات زیاد است، دختر تنها استم. زنده‌گی در ایران برای یک دختر تنها بسیار سخت است. نبود جای بودوباش، نبود حمایت مالی، مشکلات مالی زیاد و بی‌سروشتی خیلی زیاد ما را آزار می‌دهد. مشکلات روانی و افسرده‌گی هم است. نهادهای حامی خبرنگاران اصلاً کمکی نکرده‌اند. ایران کشور زیر تحریم است و این‌جا کسی کمک کرده نمی‌تواند و هیچ نهاد حامی و خارجی این‌جا نیست. کشورهای غربی، به‌ویژه فرانسه که وعده پذیرش ما را داده بود، باید برای ما هرچه زودتر ویزه بدهد تا از این بی‌سروشتی نجات پیدا کنیم.»

خبرنگارانی که در ایران به سر می‌برند، خاطرنشان می‌سازند که بیشتر آنان وظیفه ندارند و در چنین حالتی دشوار است که کرایه خانه و مخارج خود و

خانواده‌های‌شان را تأمین کنند. بربنیاد آمارهای تایید نشده، در حال حاضر دست‌کم ۸۰ خبرنگار افغان با خانواده‌های‌شان در ایران زنده‌گی می‌کنند. آنان پس از تسلط طالبان بر کشور، به دلیل تهدیدات امنیتی که از سوی طالبان متوجه خبرنگاران و کارمندان رسانه‌های است، به ایران رفته‌اند. در این میان، چندین خبرنگار زن نیز شامل‌اند.

گفتنی است که مرکز خبرنگاران افغانستان (ای.اف.جی. سی) در آخرین روز سال ۲۰۲۲ میلادی گزارشی را درباره چگونگی وضعیت خبرنگاران و رسانه‌ها منتشر کرد. بربنیاد این گزارش، وضعیت آزادی رسانه‌ها و خبرنگاران در سال ۲۰۲۲ میلادی در افغانستان به شدت رو به وخامت نهاده و در کنار افزایش بی‌سابقه رویدادهای خشونت و تهدید خبرنگاران، فضای کار برای رسانه‌ها نیز به‌گونه جدی محدود شده است.

یافته‌های این نهاد همچنان نشان می‌دهد که آزادی رسانه‌ها که در دو دهه اخیر در افغانستان به دست آمده بود، پس از تسلط طالبان بر کشور، به سرعت رو به محو شدن است. در گزارش مرکز خبرنگاران افغانستان آمده که این نهاد در سال ۲۰۲۲، دست‌کم ۲۶۰ رویداد نقض آزادی رسانه‌ها و خبرنگاران را ثبت کرده که شامل تهدید، بازداشت و برخورد خشونت‌آمیز می‌شود. یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که بیشتر این رویدادها از سوی اداره‌ها و یا افراد منسوب به طالبان، به‌ویژه نیروهای امنیتی و استخباراتی این گروه صورت گرفته است. براساس این گزارش، از مجموع رویدادهای ثبت‌شده در سال ۲۰۲۲ میلادی در مرکز خبرنگاران افغانستان، دست‌کم ۱۱۹ مورد آن بازداشت موقت خبرنگاران از یک ساعت تا چندین ماه می‌باشد و بیشتر این بازداشتی‌ها توأم با خشونت فیزیکی، روانی، توهین و تحقیر بوده است.

از صفحه ۶

## می‌خوانیم و می‌نویسیم...

البته این را نباید ناگفته گذاشت که نیروهایی که با این تحولات فرهنگی و آموزشی سر سازگاری نداشتند، بیکار ننشسته بودند و برای تخریب این روند راه‌های گوناگون را می‌پیمودند. این بود که در این سال‌ها جدال میان سنت و مدرنیته را در قالب کشمکش میان نیروهای محافظه‌کار و نوگرا در هر جا می‌توانستی دید. در همین پنجشیر که منطقه‌ای نزدیک به پایتخت است و در برهه‌ای از زمان، در کانون تحولات افغانستان قرار داشته و از این بابت باید پیشرفته‌تر از بسیاری از مناطق افغانستان باشد، نیروهای محافظه‌کار و سنت‌پرست، عملاً زمام امور را در دست داشتند و با به‌کارگیری انواع حیل‌ها سعی می‌کردند روندهای فرهنگی و آموزشی را به سود خود تغییر دهند. یک زمان ما می‌خواستیم کتاب‌خانه‌های عمومی در پنجشیر تأسیس کنیم و شخصی خیراندیش که در بیرون از کشور زنده‌گی می‌کرد، حاضر شده بود هزینه ساخت‌وساز آن را بپردازد. ما با انواع کارشکنی‌ها در این راه مواجه شدیم و نتوانستیم جایی مناسب برای ساختن این کتاب‌خانه پیدا کنیم. در موردی دیگر، چند تن از دوستان، کتاب‌خانه‌ای در یکی از ولسوالی‌های پنجشیر راه‌اندازی کردند. اگرچه این

کتاب‌خانه جای ثابت نداشت و در دکانی کرایه قرار داشت و به جهت این‌که به صورت رضاکارانه چرخانده می‌شد، چندان فعالیتی هم نداشت و توقع‌ها را برآورده نمی‌کرد، ولی همین فعالیت حداقلی این کتاب‌خانه حساسیت محافظه‌کاران را برانگیخته و آنان را به مخالفت واداشته بود. در یکی از جمعه‌ها ملاهای دو مسجد جمعی که در آن منطقه قرار داشتند، متفقانه علیه فعالیت آن موضع گرفتند و آن را نکوهش کردند. تا زمانی که این کتاب‌خانه سقوط کرد، محافظه‌کاران از پا ننشستند و علیه آن دست به تبلیغات می‌زدند. روندی که با امضای معاهده بُن در سال ۲۰۰۱ آغاز یافته بود اگرچه در شروع با موفقیت‌های عظیم همراه بود، اما در ادامه راه با چالش‌های بزرگ مواجه شد و نتوانست به سرمنزل مقصود برسد، تا این‌که سرانجام دچار فروپاشی و زوال شد. نشانه‌های زوال در چند سال اخیر، آشکارا در هر جا دیده می‌شد. جامعه افغانستان دوباره می‌خواست به گذشته برگردد و به گمان خود اشتباهاتش را اصلاح کند. تحولات فرهنگی در این ۲۰ سال به آن اندازه ریشه‌دار و نیرومند نشده بود که نگذارد بازگشت به گذشته اتفاق بیفتد. اشتباهاتی که از سوی رهبران سیاسی و فعالان مدنی و فرهنگی و

همچنین نیروهای خارجی مستقر در افغانستان صورت گرفت، دست به دست هم دادند تا مشکل را مضاعف و کار مخالفان روند حاکم را آسان کنند. چند سال پایانی نظم جمهوری، چیدمان حوادث و تحولات به‌گونه‌ای صورت گرفت که خبر از فروپاشی بزرگ می‌داد. با فروپاشی نظام جمهوری، دوران اعمال محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی دوباره از راه رسید. اگرچه اکنون به لطف پیشرفت‌های تکنولوژی، کتاب به قدر کافی در دسترس همه قرار دارد و شاید در جامعه ما افراد زیادی باشند که علاقه‌مند کتاب و کتاب‌خوانی باشند، اما از یک‌سو، همه‌گی به حدی درگیر تأمین لقمه‌نانی برای خود و خانواده‌شان هستند که فرصت و انگیزه‌ای برای کتاب خواندن و اندیشیدن ندارند و از سوی دیگر، اختلافی که ایجاد شده، فعالیت‌های فرهنگی را بی‌رمق ساخته است. محافظه‌کاران می‌دانند که در فضایی که آزادی بیان و اندیشه وجود داشته باشد و تفکر انتقادی ارج نهاده شود، جایی برای خرافات و اوهام و اباطیل نیست. فضای فرهنگی جدید، کار کتاب‌خانه‌ها را نیز دچار کساد کرده و فعالان فرهنگی را وادار به خزیدن در کنج عزلت کرده است.

با وجود تحول شگرف اخیری که رونما شد و اکثر مردم

را غافل‌گیر کرد و باعث شد نظمی به کلی متفاوت جایگزین نظم سابق شود، من همچنان بر عهدم با خواندن و نوشتن استوارم، اما چشم‌اندازی برای آینده در ذهنم وجود ندارد و مثل هزاران تن دیگر با بغض و استیصال شب و روزم را می‌گذرانم. در سال‌های قدیم، کتاب خواندن برای من، هم سرگرمی و هم راهی برای آگاهی یافتن و توانا شدن و تأثیرگذار بودن بود؛ لیکن اکنون زمانه عوض شده و کتاب و نوشتن نه‌تنها اهمیت خود را از دست داده، بلکه این چیزها و بالی شده بر گردن صاحبانش. با این‌همه، حالا نیز همانند دوران کودکی، کتاب و نوشتن برایم پناهگاهی است برای فرار از واقعیت‌های گزنده زنده‌گی واقعی و عینی. مطالعه کتاب و کنار هم چیدن واژه‌ها و جمله‌ها اگر سود دیگری نداشته باشد، همین مزیت را دارد که موقتاً از زنده‌گی روزمره دور می‌کند. البته این هم هست که خواندن و نوشتن نشانه زنده بودن است. در شرایطی که همه‌جا ناقوس مرگ و زوال به صدا درآمده و وضعیت سونگناکی حاکم است، من علی‌رغم شرایط دشوار می‌خوانم و می‌نویسم تا زنده بودنم را اثبات کنم. به قول شاعر: «من زنده‌ام به شایعه‌ها اعتنا نکن.»



صاحب امتیاز: سنجر سهیل  
مدیرمسئول: محمد محقق  
سردبیر: حسیب بهش  
مسئول افغانستان: شاحسین رسولی  
تحلیل‌گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی  
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

Sanjar.sohail@8am.media  
Mohammad.moheq@8am.media  
Hasib.bahesh@8am.media

**Publisher:**  
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media  
**Editor-in-Chief:**  
Mohammad Moheq  
Mohammad.moheq@8am.media  
Facebook.com/8am.media  
Youtube.com/Hashtesubhdaily  
Twitter.com/@Hashtesubhdaily  
instagram.com/8am.media\_official  
www.8am.media

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر  
خبرنگار ارشد: امین کاوه  
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران  
صفحه آرایی: رضا مرادی  
پذیرش مقالات: Info@8am.media  
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com  
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان  
۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.



۸ صبح، کابل: سرپرست دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) گفته است که برخی از رهبران طالبان عواقب وحشت‌ناک تصمیم‌های اخیر خود را درک نمی‌کنند یا نسبت به رنج میلیون‌ها شهروند عادی افغان «بی تفاوت» اند. مارکس پوتزل، سرپرست دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان، روز سه‌شنبه، ۲۰ جدی، در گفت‌وگو با واشنگتن پست گفته است که برخی رهبران طالبان افغانستان را منزوی‌تر می‌کنند. پوتزل اما از این رهبران طالبان نامی نبرده است. این در حالی است که تصمیم اخیر طالبان در مورد بسته ماندن مکاتب و دانشگاه‌ها به روی دختران و تعلیق کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی، با واکنش‌های گسترده‌ای مواجه شده است.

## هیات امریکایی برای پژوهش در مورد چگونگی حمایت از جامعه مدنی افغانستان به ترکیه رفته است



۸ صبح، کابل: پس از نشر خبرهایی در مورد سفر هیات امریکایی به انقره و گفت‌وگو با مقام‌های افغان در آن کشور، منابعی در ترکیه می‌گویند که این هیات غیردولتی امریکا برای پژوهش در مورد چگونگی حمایت از جامعه مدنی افغانستان به ترکیه رفته است.

منابع در ترکیه سه‌شنبه‌شب، ۲۰ جدی، به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این هیات امریکایی از دو روز به این سو در ترکیه به سر می‌برند و در این مدت با برخی از مقام‌های حکومت پیشین و رهبران سیاسی و مدنی افغانستان نیز دیدار کرده‌اند.

به قول منابع، هیات مرکز امنیت جدید امریکا (CNAS) یکی از اتاق‌های فکر امریکایی، اخیراً در مورد چگونگی حمایت از حقوق بشر و جامعه مدنی افغانستان، می‌خواهد پژوهشی را به ریاست لیزا کورتیس در این زمینه انجام دهد.

این هیات در ادامه سفرهای پژوهشی‌اش به ترکیه رفته و پس از آن قرار است با مهاجران افغان در دبی و تاجیکستان نیز دیدار و گفت‌وگو کند.

مرکز امنیت جدید امریکا تاکنون در مورد دریافت راه‌های حمایت از جامعه مدنی افغانستان چهار جلسه در واشنگتن و دو جلسه در اروپا برگزار کرده است.

در همین حال، منابع به روزنامه ۸ صبح گفته‌اند که این هیات در ترکیه با برخی از رهبران سیاسی و مسوولان حکومت پیشین نیز دیدار داشته است.

بر اساس معلومات ارائه‌شده در وبسایت مرکز امنیت جدید امریکا، این مرکز یک سازمان مستقل، دو حزبی و غیرانتفاعی است که سیاست‌های امنیتی و دفاعی ایالات متحده را توسعه می‌بخشد.

## رونالدو به دلیل حمایتش از میزبانی عربستان از جام جهانی ۲۰۰۰ میلیون یوروی دیگر دریافت می‌کند

یک منبع به شرط ناشناس ماندنش روز سه‌شنبه، ۱۰ جنوری، به خبرگزاری فرانس ۲۴ گفته است: «رونالدو در این تلاش‌ها نقش سفیر فوتبال را برای عربستان سعودی خواهد داشت و میزان درآمدش به بیش از ۴۰۰ میلیون یورو خواهد رسید.»

منبع افزوده است که این قرارداد توسط اعضای ارشد پادشاهی عربستان سعودی از جمله محمد بن سلمان، ولی عهد، حمایت می‌شود؛ زیرا آن‌ها حامی باشگاه النصر هستند.

کشور شاهی نفت‌خیز عربستان سعودی با مصر و یونان تلاش دارند به‌صورت مشترک میزبانی جام جهانی فوتبال ۲۰۳۰ را به دست بیاورند.

رونالدو، بازیکن پیشین باشگاه‌های منچستر یونایتد، ریال مادرید و یوونتوس، چند هفته پس از ختم جام جهانی

بر اساس گزارش‌ها، کریستیانو رونالدو، ابرستاره ۳۷ ساله پرتغالی، علاوه بر معاش باشگاهی‌اش، ۲۰۰ میلیون یوروی دیگر از عربستان سعودی می‌گیرد تا از تلاش‌های این کشور برای کسب میزبانی مشترک جام جهانی ۲۰۳۰ حمایت کند.

## حکم بازداشت عمران خان صادر شد



رسانه‌های پاکستانی گزارش داده‌اند که کمیسیون انتخابات پاکستان این کشور حکم بازداشت عمران خان، نخست‌وزیر پیشین پاکستان را صادر کرده است.

کمیسیون انتخابات پاکستان روز سه‌شنبه، ۱۰ جنوری، حکم بازداشت عمران خان را صادر کرده است.

بر بنیاد اطلاعات نشر شده، حکم بازداشت عمران خان به اتهام توهین به احکام دادگاه و حاضر نشدن به جلسه رسیده‌گی به تخلفات صادر شده است.

مسوولان کمیته رسیده‌گی به تخلفات در کمیسیون انتخابات پاکستان در جلسه‌ای رأی به صدور حکم بازداشت عمران خان، رهبر حزب تحریک انصاف پاکستان و دو تن دیگر از اعضای ارشد این حزب داده‌اند.

کمیسیون انتخابات پاکستان حق استفاده از قرار وثیقه برای عمران خان و دو هم‌حزبی او را محفوظ دانسته است.

گفتنی است که پارلمان پاکستان سال گذشته میلادی عمران خان را از پست نخست‌وزیری برکنار کرد.



قطر برای بازی در باشگاه النصر وارد عربستان سعودی شد.

او که پنج بار برنده توپ طلا و پنج بار برنده لیگ قهرمانان اروپا شده و همچنان رکورد گول‌زنی در این تورنمنت را دارد، قرار است اولین بازی‌اش برای النصر را به تاریخ ۲۲ جنوری انجام دهد.

## پرتاب ماهواره سبک‌وزن بریتانیا با شکست مواجه شد



میلادی، ضرب‌های برای جاه‌طلبی‌های فضایی اروپا خواهد بود.

شرکت «ویرجین اوربیت» با این ماموریت که خارج از خاک امریکا انجام می‌شد، قصد داشت نه ماهواره سبک‌وزن را در مدار زمین مستقر کند.

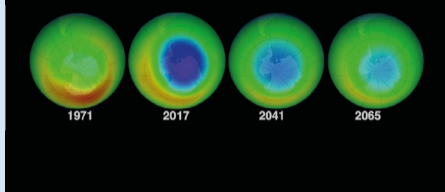
این شرکت که در سال ۲۰۱۲ توسط ریچارد برانسون، یک میلیاردر بریتانیایی راه‌اندازی شد، در پی ارسال پرتاب‌های سریع ماهواره‌های سبک‌وزن در مدار زمین است.

شکست ارسال ماهواره سبک‌وزن به مدار زمین، دومین شکست در تاریخ ویرجین اوربیت از زمان نخستین آزمایش این شرکت در سال ۲۰۲۰ است. شرکت ویرجین اوربیت ۴ ماموریت موفق داشته است.

بر بنیاد گزارش‌ها، تلاش بریتانیا برای تبدیل شدن به نخستین کشور اروپایی که در قرن جاری ماهواره‌ای را به فضا پرتاب می‌کند، با شکست مواجه شده است.

یورونیز روز سه‌شنبه، ۱۰ جنوری، گزارش داده است که شرکت «ویرجین اوربیت» اعلام کرده که آزمایش موشکی برای ارسال ماهواره در مدار زمین، به دلیل پیش آمدن مشکلی، با شکست روبه‌رو شده است.

شرکت «ویرجین اوربیت» اعلام کرد که به نظر می‌رسد یک اختلال مانع ارسال ماهواره در مدار زمین شده است. این شرکت در ادامه خبر داده که در حال ارزیابی اطلاعات است. گفتنی است که این شکست پس از شکست ماموریت موشک «وگا سی» ایتالیا در اواخر دسامبر سال گذشته



### سازمان ملل:

## لایه اوزون تا سال ۲۰۶۶ ترمیم خواهد شد

بر اساس گزارش جدید سازمان ملل، لایه محافظ اوزون با سرعت قابل توجهی در حال بهبود است تا حفره بالای قطب جنوب را در حدود ۴۳ سال آینده به‌طور کامل ترمیم کند.

آسوشیتدپرس روز سه‌شنبه، ۱۰ جنوری، گزارش داده است که بر اساس یک ارزیابی علمی لایه اوزون زمین در حال بهبود است.

بر اساس گزارش آسوشیتدپرس، این گونه ارزیابی‌های علمی در مورد لایه اوزون هر چهار سال یک بار انجام می‌شود و پس از گذشت ۳۵ سال از توافق کشورهای جهان برای توقف تولید مواد کیمیاوی مضر بر لایه اوزون اکنون این لایه محافظ زمین در حال بهبود است. پل نیومن، رییس پروژه مشترک ارزیابی علمی، گفته است: «در استراتوسفر و در سوراخ اوزون، ما شاهد بهبود اوضاع هستیم.»

بر اساس گزارشی که روز دوشنبه در همایش انجمن هواشناسی امریکا ارائه شده است، لایه اوزون تا سال ۲۰۴۰ به وضعیت سال ۱۹۸۰ برنخواهد گشت.

علایم بهبود لایه اوزون چهار سال پیش گزارش شد؛ اما آن وقت گفته شد که این روند خفیف و مقدماتی است. استراتوسفر یا پوشش‌سپهر دومین لایه اتمسفر زمین است که تا ۵۰ کیلومتری سیاره ادامه دارد.

## اگلند خواستار پیام واحد جهان در برابر طالبان شد



۸ صبح، کابل: دبیر شورای پناهنده‌گان ناروی که در کابل به‌سر می‌برد، در تازه‌ترین اظهاراتش خواستار پیام واحد جهان در برابر طالبان شده است.

یان اگلند، دبیر شورای پناهنده‌گان ناروی، روز سه‌شنبه، ۲۰ جدی، در توییتری از دیداراش با سفیران قطر و ترکیه در کابل خبر داده است.

اگلند نوشته که از همسویی و حمایت کشورهای اسلامی به‌ویژه قطر و ترکیه در موضوع لغو ممنوعیت تحصیل و کار زنان در افغانستان سپاس‌گزار است.

دبیر شورای پناهنده‌گان ناروی افزوده است: «ما به یک پیام جهانی واحد در برابر رهبری طالبان نیاز داریم.» دبیر شورای پناهنده‌گان ناروی دو روز پیش به کابل سفر کرد. ظاهراً او تلاش‌ها برای لغو ممنوعیت تحصیل و کار زنان در افغانستان را آغاز کرده است.